

فارسی ۲

پایه یازدهم

جواد امیرسالاری

مجموعه کتاب های نگاه نو

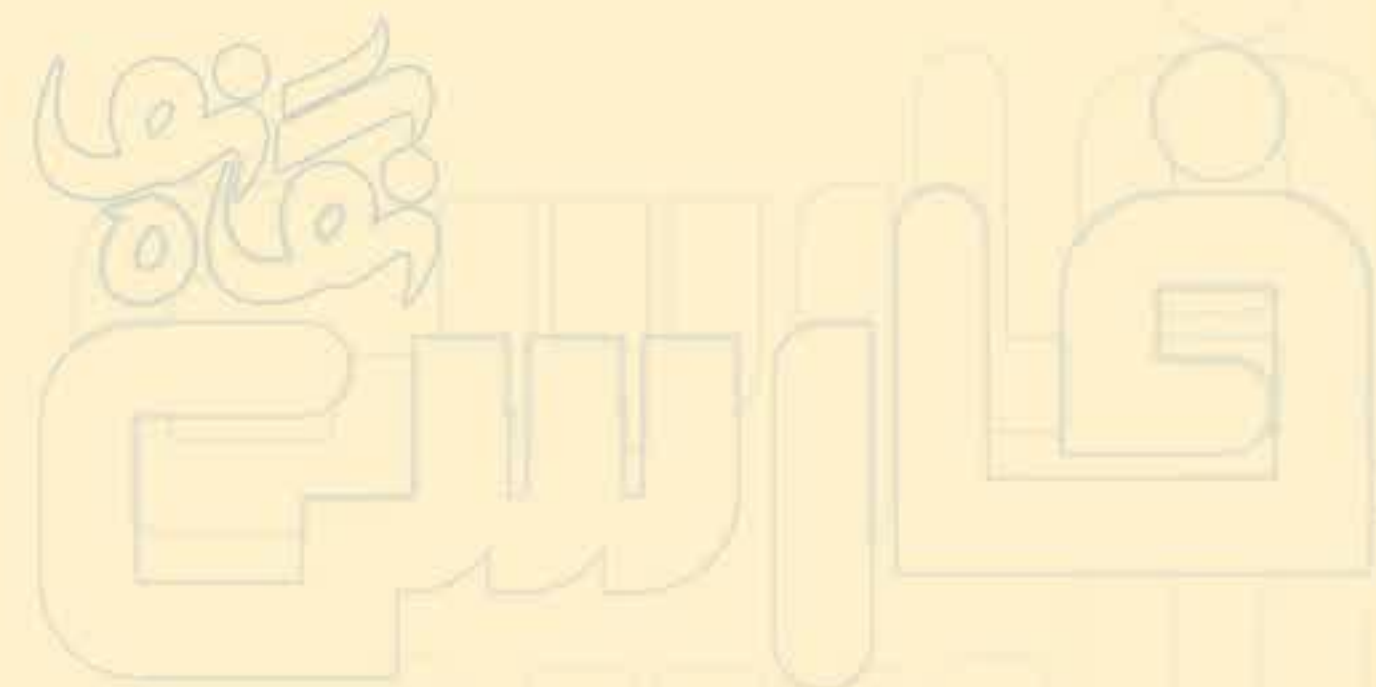
فارسی یازدهم

جواد امیرسالاری

به ضمیمه سوالات
آزمون نهایی
خرداد ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴



- جمع بندی مفاهیم تعامی ابیات و عبارات مهم کتاب
- آموزش آرایه های ادبی و توضیحات تکمیلی نکات دستوری
- شرح تعامی ابیات و عبارات کتاب به صورت درس به درس و سطر به سطر
- ارائه سوالات تکمیلی در سه قلمرو زبانی، ادبی و فکری با پاسخ تشریحی



ISBN : 978-622-5242-22-7



9 786225 242227

۰۹۹ ۲۵ ۶۰ ۴۵ ۴۹

negahenow.com

انتشارات نگاه نو فرهنگ



هرگونه کپی برداری از این اثر ممنوع می باشد و به موجب بند ۵ ماده ۲ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و ناشران پیگرد قانونی دارد.

بسم الله الرحمن الرحيم



فارسی (۲)

پایه یازدهم

دوره دوم متوسطه

مجموعه کتاب های نگاه نو

نگاه

مؤلف جواد امیرسالاری

چون در تهیه مطالب این کتاب وقت و هزینه زیادی صرف شده است، بنابراین هر گونه کپی از مطالب آن یک نوع سرقت تلقی می شود و حرام و خلاف انسانیت است.



این کتاب، تقدیم می شود به همکاران ارجمندی که عاطفه سرشار و گرمای امیدبخش وجودشان در این سردترین روزگاران، بهترین پشتیبان است.

هیچ شخص حقیقی یا حقوقی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این کتاب را به هر صورت اعم از فتوکپی، اسکن، چاپ کتاب، جزوه و یا حتی برداشت به صورت دستنویس یا تایپ ندارد و متخلفین به موجب بند ۵ از ماده ۲ قانون حمایت از مؤلفان و ناشران تحت پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت.	سرشناسه : امیرسالاری، جواد، ۱۳۳۹ عنوان : فارسی ۲ (پایه یازدهم) نام پدیدآور : مؤلف جواد امیرسالاری. مشخصات نشر : شیراز: نگاه نو فرهنگ، مشخصات ظاهری : ۳۳۶ ص فروست : مجموعه کتابهای نگاه نو شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۵۲۴۲-۲۲-۷ وضعیت فهرست نویسی : فیپا یادداشت : چاپ شانزدهم ۱۴۰۳ یادداشت : چاپ هفدهم، ۱۴۰۴ شماره کتابشناسی ملی : ۹۶۸۷۳۰۲
--	--

مجموعه کتابهای نگاه نو

فارسی (۲) - پایه یازدهم

(دوره دوم متوسطه)

مؤلف جواد امیرسالاری
محل نشر شیراز
ناشر نگاه نو فرهنگ
نوبت چاپ هفدهم ۱۴۰۴
شمارگان ۲۰۰۰
شابک ۹۷۸-۶۲۲-۵۲۴۲-۲۲-۷
ویراستار و صفحه آرا حلیمه کاشانی
لیتوگرافی، چاپ و صحافی سلمان قم
قیمت ۴۷۵،۰۰۰ تومان

توجه: چون در تهیه مطالب این کتاب وقت و هزینه زیادی صرف شده است، بنابراین هرگونه کپی و اسکن از تمام یا بخشی از صفحات کتاب و نشر آن در فضای مجازی یا حقیقی یک نوع «جرم و سرقت» محسوب شده و حرام و خلاف اخلاق است.



مقدمه

«تا که سخن از دل و از دلبر است نام خدا، زینت هر دفتر است»

سخنی با دانش آموزان و همکاران گرامی

سپاس بی‌کران پروردگار یکتا را که به موجودات، هستی بخشید و ما را به طریق علم و دانش رهنمون شد، و مفتخر به هم‌نشینی با رهروان علم و ادب گردانید و خوشه‌چینی از مزرع علم و معرفت را روزی ما ساخت. مجموعه‌ای که فراروی شماست، با هدف ایجاد نگاه مثبت نسبت به ادبیات فارسی تهیّه و تدوین شده است و سعی می‌کند در درک لذت و معرفت ادب فارسی یاریگر دانش‌آموزان باشد.

ویژگی‌های کتاب:

- ۱- تمامی مطالب کتاب به صورت درس به درس و سطر به سطر از نظر قلمروهای زبانی، ادبی و فکری گزارش و شرح شده است.
- ۲- به سؤالات کارگاه متن‌پژوهی (قلمروهای زبانی، ادبی و فکری) و بخش درک و دریافت شعرخوانی و روان‌خوانی‌ها به‌طور کامل پاسخ داده شده است.
- ۳- به منظور فعال شدن عزیزان دانش‌آموز در امر یادگیری و تقویت توانایی درک متن در پایان سؤالات کارگاه‌های متن‌پژوهی، تعداد زیادی سؤال تألیفی غیرتکراری با عنوان «سؤالات تکمیلی» با پاسخ تشریحی آمده است. این سؤالات (جمعاً بیش از ۱۰۰۰ سؤال) مهم‌ترین نکات هر درس را مورد سنجش قرار می‌دهند و توصیه می‌شود در مطالعه آن عنایت ویژه‌ای داشته باشند.
- ۴- واژگان مهم همه متن‌ها، علاوه بر شرح و توضیح در درس، به صورت جدول جمع‌بندی و طبقه‌بندی شده بعد از اتمام شرح درس‌ها به کتاب افزوده شده است. این امر موجب ساده کردن امر آموزش در آیام امتحانات خواهد شد.
- ۵- برای آشنایی دانش‌آموزان عزیز، با نمونه سؤالات نوبت اول و دوم، به ترتیب در صفحات ۱۴۹ و ۳۲۶ دو نمونه سؤال تألیفی و دو نمونه سؤال نهایی خرداد ۱۴۰۳ و خرداد ۱۴۰۴ با پاسخ تشریحی آمده است.
- ۶ بخش پایانی کتاب را دو پیوست با عنوان‌های «توضیحات برخی نکات زبانی» و «آموزش آرایه‌های ادبی» تشکیل می‌دهد. پیوست اول به آموزش آرایه‌های ادبی می‌پردازد. و پیوست دوم، دربردارنده توضیحات بیشتری درباره محتوای سؤالات برخی نکات زبانی کارگاه‌های متن‌پژوهی است، که به صورت درس به درس با مثال‌های متنوع ارائه شده است.
- ۷- جمع‌بندی مفاهیم ابیات و عبارات مهم به همراه نکات تاریخ ادبیاتی جای جای متن کتاب، به صورت جدول آموزشی، ویژه آزمون‌های نهایی، تهیّه و تنظیم گردیده و برای سهولت کار، در بخش اطلاعات تکمیلی قرار داده شده است.
- ۸- با توجه به جدول بارم‌بندی وزارتی و ملاحظات ذیل آن (درج شده در صفحه بعد) در شرح متن‌های «گنج حکمت و روان‌خوانی و شعرخوانی» و طرح سؤالات تکمیلی از این بخش‌ها صرفاً به معنا، املا، واژگان، تاریخ ادبیات و معنی و مفهوم بسنده شده است. به دیگر سخن، شرح نکات دستوری و آرایه‌ای فقط به متن‌های اصلی اختصاص یافته است.

شایسته است از همسر گرامی سرکار خانم حلیمه کاشانی که در حروف‌نگاری، ویراستاری و صفحه‌آرایی مطالب، همت نموده و در آماده کردن این کتاب با این‌جانب نهایت همکاری را مبذول داشتند، سپاسگزاری نمایم، همچنین بر خود لازم می‌دانم از همکاران و دوستان باوفایی که همواره مشوق، راهنما و یاور من در این راه بوده‌اند، تشکر و قدردانی ویژه داشته باشم.

«جواد امیرسالاری»

شیوه‌نامه ارزشیابی فارسی پایه یازدهم				
ردیف	قلمروها	موضوع‌ها	نمره	درصد سطوح عملکردی
۱	زبانی نمره ۷	معنی واژه	۱	یادآوردن ۲۰-۱۵ درصد فهمیدن ۴۰-۳۵ درصد کار بستن ۳۰-۲۵ درصد تحلیل ۲۰-۱۵ درصد
		املاي واژه	۲	
		دستور	۴	
۲	ادبی نمره ۵	آرایه‌های ادبی	۳	
		تاریخ ادبیات	۱	
		حفظ شعر	۱	
۳	فکری نمره ۸	درک مطلب	۴	
		معنی و مفهوم نثر	۲	
		معنی و مفهوم نظم	۲	
		جمع	۲۰	

ملاحظات:

- ☆ معنای واژه‌ها و پرسش‌های دستور، در «بافت متن» پرسیده شود.
- ☆ در املاي واژه‌ها، «تشديد» اهميت املايي ندارد.
- ☆ گسسته یا پیوسته‌نویسی واژه‌هایی که ساخت ترکیبی دارند (مانند کتاب خانه یا کتاب‌خانه)، یکسان است و اهميت املايي ندارد.
- ☆ پرسش‌های مباحث دستوری و آرایه‌های ادبی فقط از متن درس‌های کتاب طراحی شود. از روان‌خوانی‌ها، شعرخوانی‌ها و گنج حکمت‌ها، پرسش دستور و آرایه ادبی طراحی نشود.
- ☆ پرسش‌های مرتبط با بخش حفظ شعر در نوبت دی ماه به شعرخوانی‌های «زاغ و کبک» و «آفتاب حسن» و در نوبت خرداد و شهریور به شعرخوانی‌های «صبح بی تو» و «وطن»، اختصاص یابد.
- ☆ در حفظ شعر، جای خالی به یک مصراع یا یک بیت اختصاص یابد و صرفاً یک واژه مد نظر نباشد.
- ☆ روان‌خوانی، شعرخوانی و گنج حکمت‌ها با هدف پرورش مهارت‌های خواندن، ایجاد نشاط، آشنایی با متون مختلف و مهم‌تر از همه پرورش فرهنگ مطالعه و کتاب‌خوانی در ساختار کتاب گنجانده شده‌اند؛ لذا در ارزشیابی از این متون، صرفاً به معنا و املاي واژگان و قلمرو فکری آنها بسنده شود.
- ☆ پرسش‌های آزمون نوبت دی ماه بر مبنای ستایش ۵/۰ نمره، فصل اول ۵ نمره، فصل دوم ۴/۵ نمره، فصل سوم ۵ نمره و فصل چهارم ۵ نمره، طراحی شود.
- ☆ پرسش‌های آزمون نوبت دوم و شهریور ماه بر مبنای ستایش و نیایش ۵/۰ نمره، فصل اول ۲/۵ نمره، فصل دوم ۲/۲۵ نمره، فصل سوم ۲/۵ نمره، فصل چهارم ۲/۵ نمره، فصل پنجم ۲/۵ نمره، فصل ششم ۲/۵ نمره، فصل هفتم ۲/۵ نمره و فصل هشتم ۲/۲۵ نمره، طراحی شود.
- ☆ پرسش‌های آزمون نوبت دوم، شهریور و دی ماه از کل کتاب به نسبت ۱۰ نمره (نوبت اول) و ۱۰ نمره (نوبت دوم) طراحی شود. (قابل توجه: بارم بندی هر فصل می‌تواند حداکثر تا ۵/۰ نمره نسبت به بارم بندی جدول تغییر کند).
- ☆ آزمون‌های تمامی نوبت‌ها بر مبنای درصد سطوح عملکردی جدول بالا طراحی شود.

ستایش: چاشنی بخش زبان‌ها

قالب شعر: مثنوی

شرح آیات

فرهاد و شیرین، وحشی بافقی

۱ به نام چاشنی بخش زبان‌ها حلاوت‌سنج معنی در بیان‌ها

قلمرو زبانی: چاشنی بخش*: آنچه برای اثربخشی بیشتر کلام به آن اضافه می‌شود. حلاوت*: شیرینی

قلمرو فکری: معنی: با نام خداوندی سخن را آغاز می‌کنم که نامش سبب اثربخشی کلام و معیار سنجش شیرینی معنا می‌شود.

۲ بلند آن سر، که او خواهد بلندش نژند آن دل، که او خواهد نژندش

قلمرو زبانی: بلند: ارجمند، دارای اهمیت و ارزش نژند*: خوار و زبون

قلمرو فکری: معنی: آن وجودی ارجمند خواهد شد که خداوند، او را ارجمند بخواهد و کسی خوار و زبون خواهد شد که خداوند، او را خوار و زبون بخواهد.

مفهوم: عزّت و ذلّت، دست خداست.

۳ در ناپسته احسان گشاده‌ست به هرکس آنچه می‌بایست، داده‌ست

قلمرو زبانی: ناپسته: بسته نشده احسان: بخشش، نیکویی

قلمرو فکری: معنی: خداوند در بسته‌نشده احسان را باز کرده و به هرکس آنچه لازم بوده چیزی عطا کرده است.

مفهوم: لطف و بخشندگی بی‌انتهای خداوند

۴ به ترتیبی نهاده وضع عالم که نی یک موی باشد بیش و نی کم

قلمرو فکری: معنی: خداوند وضعیّت جهان را به ترتیبی قرار داده است که نه ذره‌ای، زیاد باشد و نه کم باشد.

مفهوم: «نظام احسن» در جهان / نظم حاکم بر جهان آفرینش

۵ اگر لطفش قرین حال گردد همه ادبارها اقبال گردد

قلمرو زبانی: قرین: همراه ادبار*: بد بختی، سیه‌روزی؛ متضادّ اقبال اقبال*: خوش‌بختی، سعادت

قلمرو فکری: معنی: اگر لطف الهی همراه حال انسان شود، همه بدبختی‌ها، خوش‌بختی می‌شود.

مفهوم: لطف خداوند، سبب نیک‌بختی است.

۶ وگر توفیق او یک سو نهد پای نه از تدبیر کار آید نه از رای

قلمرو زبانی: تدبیر: چاره جویی رای: اندیشه

توفیق*: آن است که خداوند، اسباب را موافق خواهش بنده، مهیا کند تا خواهش او به نتیجه برسد؛ سازگار گردانیدن

قلمرو فکری: معنی: اگر توفیق الهی شامل حال انسان نشود، نه از چاره جویی و نه از اندیشه او، کاری بر نمی‌آید.

مفهوم: برتری توفیق الهی بر اندیشه و تدبیر

توجه: ۱- نکات دستوری و آرایه‌ای در بخش «ستایش» بیان نشده؛ زیرا با توجه به راهنمای عمل ارزشیابی از بخش «ستایش» و

«نیایش»، سؤال دستور و آرایه ادبی طرح نمی‌شود.

۲- ستاره در کنار برخی از واژه‌ها بیانگر این است که این لغات در واژه‌نامه کتاب درسی معنی شده‌اند و در آزمون‌ها اهمیت دارند.

۷ خرد را گر نبخشد روشنایی بمآند تا ابد در تیره‌رایی

قلمرو زبانی: خرد: عقل تیره‌رایی*: بد اندیشی، گمراهی

قلمرو فکری: معنی: اگر خداوند به عقل، قدرت فهم عطا نکند، تا ابد در گمراهی باقی می‌ماند.

مفهوم: لطف خداوند سبب روشنایی عقل است.

۸ کمال عقل آن باشد در این راه که گوید نیستم از هیچ، آگاه

قلمرو فکری: معنی: اوج کمال عقل در راه شناخت خداوند، آن است که بگوید از هیچ چیز آگاه نیستم.

مفهوم: ناتوانی عقل در شناخت خداوند فرهاد و شیرین، وحشی بافقی

سوالات تکمیلی

قلمرو زبانی

۱- در مصراع های زیر، معنی واژه های مشخص شده را بنویسید.

الف) به نام چاشنی بخش زبان ها (ب) حلاوت سنج معنی در بیان ها

ج) اگر لطفش قرین حال گردد (د) بمآند تا ابد در تیره‌رایی

۲- معادل درست توضیح زیر را از داخل کمانک انتخاب کنید.

«آن است که خداوند، اسباب را موافق خواهش بنده، مهیا کند تا خواهش او به نتیجه برسد.» (توفیق / شفاعت)

۳- در بیت های زیر، دو واژه بیابید که معنای مشترک دارند؟

* بلند آن سر، که او خواهد بلندش نژند آن دل، که او خواهد نژندش

* هنر خوار شد، جاویی ارجمند نهان راستی، آشکارا گزند

۴- در بیت زیر، دو واژه متضاد بیابید.

«اگر لطفش قرین حال گردد همه ادب‌ارها اقبال گردد»

۵- در بیت «کمال عقل آن باشد در این راه / که گوید نیستم از هیچ، آگاه»، کدام واژه اهمیت املایی ندارد؟

الف) کمال (ب) عقل (ج) راه (د) آگاه

۶- املای درست واژه را از داخل کمانک انتخاب کنید.

الف) در نایسته (احسان / احسان) گشوده است به هرکس آنچه می بایست داده ست

ب) به نام چاشنی بخش زبان ها (حلاوت سنج / هلاوت سنج) معنی در بیان ها

۷- مثنوی فرهاد و شیرین اثر کدام شاعر است؟ ۱- نظامی ۲- وحشی بافقی

قلمرو فکری

۸- معنی مصراع های زیر را به نثر روان و ساده بنویسید.

۱) اگر توفیق او یک سر نهد پای ۲) که نی یک موی باشد بیش و نی کم

۳) همه ادب‌ارها اقبال گردد ۴) نژند آن دل، که او خواهد نژندش

۹- با توجه به بیت زیر، سعادت چگونه حاصل می‌شود؟

«اگر لطفش قَرینِ حال گردد همه ادب‌ها اقبال گردد»

۱۰- در بیت زیر، مقصود از «راه» چیست؟

«کمالِ عقل آن باشد در این راه که گوید نیستم از هیچ، آگاه»

۱۱- در بیت زیر، شاعر به مقایسه چه چیزهایی پرداخته و کدام یک را برتر دانسته است؟

«وگر توفیق او یک سو نهد پای نه از تدبیر کار آید نه از رای»

۱۲- شاعر در بیت زیر، بر چه موضوعی از آفرینش اشاره کرده است؟

«به ترتیبی نهاده وضع عالم که نی یک موی باشد بیش و نی کم»

۱۳- مفهوم کلی بیت زیر چیست؟

«بلند آن سر، که او خواهد بلندش نژند آن دل، که او خواهد نژندش»

۱۴- با توجه به مصراع «به نام چاشنی‌بخش زبان‌ها» چرا شاعر، سخن خود را با نام خدا آغاز می‌کند؟

پاسخ سؤالات تکمیلی

۱- الف) حلاوت: شیرینی ب: حلاوت: شیرینی ج) قرین: همراه د) تیره‌رایی: بداندیشی، گمراهی

۲- توفیق

۳- نژند و خوار

۴- ادبار و اقبال

۵- گزینه «الف»، زیرا هیچ حرف عربی که به چند شکل نوشته شود، در آن دیده نمی‌شود.

۶- الف) احسان ب) حلاوت سنج

۷- وحشی بافقی

۸- ۱) اگر توفیق او از ما کناره‌گیری کند. (شامل حال ما نشود).

۲) نه ذره‌ای زیاد باشد و نه کم باشد.

۳) همه بدبختی‌ها، به خوش‌بختی تبدیل می‌شود.

۴) آن شخصی زبون می‌شود که خداوند او را خوار و زبون بخواهد.

۹- لطف الهی همراه حال انسان شود.

۱۰- شناخت خداوند

۱۱- «توفیق الهی» و «تدبیر»/ توفیق الهی برتر از تدبیر است.

۱۲- نظم حاکم بر جهان آفرینش

۱۳- عزت و ذلت، به دست خداست.

۱۴- زیرا نام خدا، سبب اثربخشی کلام می‌شود.



فصل ۱

ادبیات تعلیمی

درس یکم: نیکی

گنج حکمت: همت

درس دوم: قاضی بست

شعر خوانی: زاغ و کبک



درس یکم: نیکی

قالب شعر: مثنوی

«بوستان»، سعدی

شرح آیات

۱ یکی روبهی دید بی دست و پای فروماند در لطف و صُنع خدای
 قلمرو زبانی: یکی: شخصی فروماندن*: متحیر شدن صُنع: نیکویی و احسان، آفرینش
 یکی ← نهاد روبهی ← مفعول لطف ← متمم صنع ← معطوف به متمم
 قلمرو فکری: معنی: شخصی یک روباهی را بی دست و پا دید و در لطف و آفرینش خداوند متحیر شد.
 مفهوم: حیرت در لطف و آفرینش خداوند

۲ که چون زندگانی به سر می‌برد؟ بدین دست و پای از کجا می‌خورد؟
 قلمرو زبانی: که ← پیوند وابسته‌ساز چون (چگونه) ← قید زندگانی ← مفعول این دست و پا ← متمم
 قلمرو ادبی: کنایه: به سر بردن (سپری کردن، گذراندن) مراعات نظیر: دست و پا
 قلمرو فکری: معنی: که چگونه زندگانی را سپری می‌کند؟ با این دست و پا و ناتوانی از کجا امرار معاش می‌کند؟

۳ در این بود درویش شوریده‌رنگ که شیری برآمد، شغالی به چنگ
 قلمرو زبانی: درویش: زاهد شوریده‌رنگ*: آشفته‌حال برآمد: رسید چنگ: دست
 شغال*: جانور پستانداری است از تیرهٔ سگان که جزو رستهٔ گوشت‌خواران است.
 درویش شوریده رنگ ← نهاد (هسته + صفت بیانی) شغالی به چنگ ← قید
 قلمرو ادبی: مراعات نظیر: شغال و شیر واج‌آرایی: تکرار واج‌های «ش، ر»
 قلمرو فکری: معنی: درویش آشفته‌حال، در این فکر بود که شیری، شغالی در دست رسید.

۴ شغال نگون‌بخت را شیر خورد بماند آنچه، روباه از آن سیر خورد
 قلمرو زبانی: نگون‌بخت: بدبخت، بخت برگشته واژهٔ «هم‌آوا»: خورد ← خُرد (کوچک)
 شغال نگون‌بخت ← مفعول، ترکیب وصفی شیر ← نهاد آنچه ← نهاد آن ← متمم سیر ← قید
 قلمرو ادبی: جناس ناهمسان: سیر و شیر رابطهٔ معنایی: شیر و شغال و روباه ← تناسب
 قلمرو فکری: معنی: شیر، شغال بخت‌برگشته را خورد و آنچه باقی ماند، روباه از آن، سیر خورد.
 مفهوم: شیر، عامل روزی‌رسانی خداوند

۵ دگر روز باز اتفاق افتاد که روزی‌رسان قوت روزش بداد
 قلمرو زبانی: روزی‌رسان: روزی رساننده قوت*: رزق روزانه، خوراک، غذا
 دگر روز ← قید باز ← قید روزی‌رسان ← نهاد قوت روزش ← مفعول (هسته + مضاف‌الیه + مضاف‌الیه)
 قلمرو ادبی: واج‌آرایی: واج‌های «ر، ز» تکرار: کلمهٔ روز تلمیح: اشاره به آیهٔ ۳۷ سورهٔ آل عمران
 قلمرو فکری: معنی: روز دیگر، دوباره اتفاقی افتاد که خداوند، غذای روزانهٔ روباه را به او عطا کرد.
 مفهوم: صفت رزاقیت خداوند ✓ مقصود از روزی‌رسان: خداوند

۶ یقین، مرد را دیده، بیننده کرد شد و تکیه بر آفریننده کرد

قلمرو زبانی: یقین: باور قلبی بیننده: بصیر، بینا تکیه کرد: اعتماد کرد
 یقین ← نهاد مرد ← مضاف‌آلیه **نوع «را»** ← نشانه فک اضافه (مرد را دیده ← دیده مرد را)
 دیده ← مفعول بیننده ← مسند شد (= رفت) ← فعل غیراسنادی واو ← پیوند هم‌پایه‌ساز
قلمرو ادبی: مراعات نظیر: دیده و بیننده واج‌آرایی: تکرار واج «ن» **رابطه معنایی:** دیده و بیننده ← تناسب
قلمرو فکری: معنی: باور قلبی درویش به روزی‌رسانی خداوند، دیده او را واقع بین کرد، بر این اساس رفت و به روزی‌رسانی خداوند اعتماد کرد. **مفهوم:** توکل بر روزی‌رسانی خداوند.

۷ کزین پس به کنجی نشینم چو مور که روزی نخوردند پیلان به زور

قلمرو زبانی: مور: مورچه روزی: رزق پیل: فیل **تغییر شکل نوشتاری واژه در گذر زمان:** پیل ← فیل
 که در «کز» ← پیوند وابسته ساز از این پس ← قید کنج ← متمم چو ← حرف اضافه مور ← متمم
قلمرو ادبی: تشبیه: من مانند مور می‌نشینم. جناس ناهمسان: مور، زور تضاد: مور و پیل واج‌آرایی: تکرار واج «ر»
 کنایه: به کنجی نشستن (کار نکردن) نمادها: پیل (انسان قدرتمند)، مور (انسان ناتوان)
قلمرو فکری: معنی: که بعد از این مثل مورچه در گوشه‌ای می‌نشینم زیرا فیلان هم با زور و قدرت، روزی نمی‌خورند. **مفهوم:** بی‌تأثیر بودن قدرت در کسب روزی

۸ زَنَخْدان فرو برد چندی به جیب که بخشنده، روزی فرستد ز غیب

قلمرو زبانی: زَنَخْدان*: چانه جیب*: گریبان، یقه روزی: رزق، غذای روزانه **روابط معنایی:** زَنَخْدان و جیب ← تناسب
 بخشنده: صفت خداوند غیب*: پنهان، نهان از چشم، عالمی که خداوند، فرشتگان و ... در آن قرار دارند.
 زَنَخْدان ← مفعول چندی ← قید جیب ← متمم که (= بلکه) ← پیوند وابسته‌ساز
 بخشنده ← نهاد روزی ← مفعول غیب ← متمم فرستد (= بفرستد) ← مضارع التزامی
قلمرو ادبی: جناس ناهمسان: جیب و غیب تلمیح: اشاره به آیه «إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ...» واج‌آرایی: تکرار واج «ب»
 کنایه: زَنَخْدان به جیب فرو بردن (به تفکر فرو رفتن) و در این جا مقصود، «نشستن و کوشش نکردن» است.
قلمرو فکری: معنی: مدتی در گوشه‌ای نشست و کوششی نکرد بلکه خداوند از غیب، رزق و روزی بفرستد. **مفهوم:** کوشش نکردن و انتظار روزی داشتن

۹ نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست چو چنگش، رگ و استخوان ماند و پوست

قلمرو زبانی: بیگانه: غریبه، ناآشنا تیمار: غم چنگ*: نوعی ساز که سر آن خمیده است و تارها دارد.
 «نه..... نه» ← پیوند هم‌پایه‌ساز **حذف** ← «تیمار خوردش» بعد از «دوست»، به قرینه لفظی
 بیگانه ← نهاد تیمار ← مفعول ضمیر «ش» در «خوردش» ← «مضاف‌آلیه» برای تیمار دوست ← نهاد
 چو ← حرف اضافه چنگ ← متمم ضمیر «ش» در «چنگش» ← «متمم» (از او) رگ و استخوان ← نهاد
قلمرو ادبی: جناس ناهمسان: دوست و پوست تشبیه: چو چنگ (فرد به چنگ تشبیه شده است).
 مراعات نظیر: رگ، استخوان، پوست تضاد: بیگانه و دوست واج‌آرایی: تکرار واج «ن»
 ایهام تناسب در واژه چنگ: ۱- ساز ۲- دست (در این معنی با رگ و استخوان و پوست، تناسب دارد).

قلمرو فکری: معنی: آشنا و بیگانه غم او را نخوردند، مثل چنگ از او فقط رگ و استخوان و پوست باقی ماند.

مفهوم: غم خواری نکردن دیگران / ضعیف و ناتوان شدن

۱۰ چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش ز دیوار محرابش آمد به گوش:

قلمرو زبانی: ضعیفی: ناتوانی، سستی محراب: عبادتگاه واژه «هم آوا»: محراب ← مهرباب (نام پادشاه)
چو ← پیوند وابسته ساز صبر ← نهاد ضمیر «ش» در «صبرش» ← متمم (برای او) ضعیفی ← متمم
واو ← حرف عطف هوش ← نهاد (معطوف به صبر) ضمیر «ش» در «محرابش» ← مضاف‌الیه برای گوش
قلمرو ادبی: جناس ناهمسان: گوش، هوش واج آرای: تکرار واج «ش»

قلمرو فکری: معنی: وقتی به دلیل ناتوانی، صبر و هوش برای او باقی نماند، صدایی از دیوار عبادتگاه به گوشش رسید ...

۱۱ برو شیر درنده باش، ای دَغَل مینداز خود را چو روباه شَل

قلمرو زبانی: دَغَل*: ناراست، حيله گر شَل*: دست و پای از کار افتاده حذف فعل ← بعد از «منادا» به قرینه معنایی
شیر درنده ← ترکیب وصفی، مسند ای ← حرف ندا دغل ← منادا مینداز ← فعل امر خود ← مفعول
چو ← حرف اضافه روباه شل ← متمم، ترکیب وصفی روابط معنایی: روباه و شیر ← تضاد
قلمرو ادبی: تشبیه: (تو مثل شیر درنده باش)، (چو روباه شَل) مراعات نظیر: شیر و روباه واج آرای: تکرار واج «ا»
قلمرو فکری: معنی: ای حيله گر، برو مثل شیر وحشی باش و مثل روباه شَل، خود را از کار و حرکت نینداز.
✓ «شیر»: نماد انسان کوشا و متکی به خود ✓ «روباه»: نماد انسان ضعیف، ناتوان و تنبل

مفهوم: به خود متکی بودن در کار و زندگی / نفی تنبلی

۱۲ چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر چه باشی چو روبه به وامانده، سیر؟

قلمرو زبانی: سعی کن: تلاش کن وامانده: باقی مانده، پس مانده چنان ← قید سعی کن ← فعل امر
که ← پیوند وابسته ساز تو ← متمم ماند (= بماند) ← مضارع التزامی چو ← حرف اضافه شیر ← متمم
«چه» (= چرا) ← قید باشی ← فعل اسنادی سیر ← مسند نوع پرسش ← انکاری (چه باشی؟ ← نباش)
قلمرو ادبی: جناس ناهمسان: شیر و سیر واج آرای: تکرار واج «چ» تضاد: شیر و روباه
تشبیه: تو چو شیر / تو چو روبه (به وامانده سیر شدن: وجه شبه)

قلمرو فکری: معنی: چنان تلاش کن که مانند شیر از تو چیزی باقی بماند. چرا مثل روباه به پس مانده دیگران سیر باشی؟

مفهوم: دعوت به قدرت‌مندی و سودرسانی به دیگران

۱۳ بخور تا توانی به بازوی خویش که سَعِیت بود در ترازوی خویش

قلمرو زبانی: تا ← پیوند وابسته ساز توانی (می‌توانی) ← مضارع اخباری واژه «هم آوا»: خویش ← خویش (گاواهن)
که (زیرا) ← پیوند وابسته ساز سعیت ← نهاد، ترکیب اضافی بُود ← مضارع اخباری در ترازوی خویش ← مسند
قلمرو ادبی: مجاز: بازو (قدرت) کنایه: سعی در ترازوی خویش بودن (نتیجه کار و تلاش به خود برگشتن)
تلمیح: اشاره به آیه ۳۹ و ۴۰ سوره نجم «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى، وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى»
قلمرو فکری: معنی: تا می‌توانی با قدرت و توانایی‌های خود امرار معاش کن؛ زیرا نتیجه کوشش تو به خودت می‌رسد.

مفهوم: به خود متکی بودن / نفی تنبلی

۱۴ بگیر ای جوان، دست درویش پیر نه خود را بیفکن که دستم بگیر

قلمرو زبانی: ای ← حرف ندا جوان ← منادا دست درویش پیر ← مفعول (هسته + مضاف‌الیه + صفت بیانی)

حذف فعل ← بعد از «منادا» به قرینه معنایی خود ← مفعول دستم ← مفعول، ترکیب اضافی

قلمرو ادبی: کنایه: دست گرفتن (کمک کردن)، خود را افکندن (سستی و تنبلی پیشه کردن) تضاد: جوان و پیر

قلمرو فکری: معنی: ای جوان به فقیر سالخورده کمک کن. تنبلی پیشه خود نکن و منتظر کمک دیگران نباش.

مفهوم: کمک‌رسانی به ضعیفان / دوری از سستی و تنبلی

۱۵ خدا را بر آن بنده بخشایش است که خلق از وجودش در آسایش است

قلمرو زبانی: بخشایش: عفو، گذشتن از گناه کسی نوع «را» ← فک اضافه (خدا را ... بخشایش ← بخشایش خدا)

خدا ← مضاف‌الیه بخشایش ← نهاد آن بنده ← متمم، ترکیب وصفی است (اول) ← فعل غیراسنادی

خلق ← نهاد وجودش ← متمم، ترکیب اضافی در آسایش ← مسند است (دوم) ← فعل اسنادی

قلمرو ادبی: واج‌آرایی: تکرار «ش» تلمیح: اشاره به حدیث «الْمُسْلِمُ مَنْ سَلَّمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ»

قلمرو فکری: معنی: عفو خداوند بر آن بنده‌ای است که مردم از رفتار او در آسایش باشند. مفهوم: نکوهش مردم‌آزاری

۱۶ گرم ورزد آن سر که مغزی در اوست که دون همتانند بی مغز و پوست

قلمرو زبانی: گرم ورزیدن: بخشش کردن، لطف کردن دون همت*: کوتاه‌همت، دارای طبع پست و کوتاه‌اندیشه

آن سر ← نهاد، ترکیب وصفی مغز ← نهاد او ← متمم است ← فعل غیر اسنادی، «وجود داشتن»

دون همتان ← نهاد «ند»، مخفف «هستند» ← فعل اسنادی بی مغز ← مسند «واو» ← حرف عطف

روابط معنایی: مغز و پوست ← تضاد سر و مغز ← تضمین سر، پوست ← تناسب

قلمرو ادبی: مجاز: سر (وجود)، مغز (عقل، فکر)، پوست (ظاهر) جناس ناهمسان: سر، در تضاد: پوست و مغز

قلمرو فکری: معنی: انسانی لطف و بخشش می‌نماید که عقل دارد. زیرا افراد پست، نادان و بی‌عقلند و فقط ظاهری انسانی دارند.

مفهوم: بخشش، نشانه خردمندی است و پستی نشانه بی‌عقلی

۱۷ کسی نیک بیند به هر دو سرای که نیکی رساند به خلق خدای

قلمرو زبانی: نیک: خوبی، نیکی سرا: خانه هر دو سرای ← دنیا و آخرت نیکی: خوبی

کسی ← نهاد نیک ← مفعول بیند (= می‌بیند) ← مضارع اخباری

هر دو سرای ← متمم (صفت مبهم + صفت شمارشی + هسته) نیکی ← مفعول برساند ← مضارع التزامی

قلمرو ادبی: تلمیح: اشاره به آیه ۷ سورة اِسرائ «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ» استعاره: سرا (دنیا)

قلمرو فکری: معنی: کسی در دنیا و آخرت خیر و خوبی می‌بیند که به بندگان خدا نیکی برساند.

مفهوم: نیکی کردن، سبب رستگاری است.

توجه: اطلاعات تکمیلی شامل: واژه‌نامه، لغات هم‌آوا، جدول تاریخ ادبیات، جمع‌بندی مفاهیم ابیات و عبارات

مهم، آموزش آرایه‌های ادبی، توضیحات تکمیلی برخی نکات زبانی کارگاه‌ها، سؤالات آزمون نهایی خرداد

۱۴۰۳ و خرداد ۱۴۰۴ با پاسخ تشریحی در صفحات ۲۸۳ تا آخر کتاب آمده است.

کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی

۱- معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

- معیار دوستانِ دغل روز حاجت است قرضی به رسم تجربه از دوستان طلب **صائب**
- صورتِ بی صورتِ بی حدّ غیب ز آینه دل تافت بر موسی ز جیب **مولوی**
- فخری که از وسيلت دون‌همتی رسد گر نام و ننگ داری، از آن فخر، عار دار **اوحدی**

۲- برای کاربرد هر یک از موارد زیر، نمونه‌ای در متن درس بیابید.

■ پیوندهای هم‌پایه‌ساز: ■ پیوندهای وابسته‌ساز:

۳- معانی فعل «شد» را در سروده زیر بررسی کنید.

- گریه شام و سحر، شکر که ضایع نگشت قطره باران ما گوهر یکدانه شد
- منزل حافظ کنون بارگه پادشاست دل بر دلداری رفت، جان بر جانانه شد **حافظ**

۴- معنای برخی واژه‌ها، تنها در جمله یا زنجیره سخن قابل درک است.

با استفاده از شیوه‌های زیر، به معنای هریک از واژه‌های مشخص شده، دقیق‌تر می‌توان پی برد:

الف) قرارگرفتن واژه در جمله: - ماه، طولانی بود. - ماه، تابناک بود.

ب) توجه به رابطه‌های معنایی (ترادف، تضاد، تضمّن و تناسب)

سیر و بیزار ← ترادف سیر و گرسنه ← تضاد سیر و پیاز ← تناسب سیر و گیاه ← تضمّن

■ اکنون برای دریافت معنای هریک از واژه‌های «دست» و «تند» به کمک دو روش بالا، چند جمله مناسب بنویسید.

قلمرو ادبی

۱- از متن درس، دو کنایه بیابید و مفهوم آن‌ها را بنویسید.

۲- در بیت زیر، شاعر، چگونه آرایه جناس همسان (تام) را پدید آورده است؟

«با زمانی دیگر انداز ای که پندم می‌دهی کاین زمانم گوش بر چنگ است و دل در چنگ نیست»

۳- ارکان تشبیه را در مصراع دوم بیت دوازدهم مشخص کنید.

۴- در این سروده، «شیر» و «روباه»، نماد چه کسانی هستند؟

قلمرو فکری

۱- معنی و مفهوم بیت شانزدهم را به نثر روان بنویسید.

۲- درک و دریافت خود را از بیت زیر بنویسید.

«یقین، مرد را دیده، بیننده کرد شد و تکیه بر آفریننده کرد»

۳- برای مفهوم هریک از سروده‌های زیر، بیتی مناسب از متن درس بیابید.

(۱) رزق هرچند بی‌گمان برسد شرط عقل است جُستن از درها! **سعدی**

۱- معنی: هرچند که رزق و روزی بی‌تردید به آدمی خواهد رسید، اما شرط عقل ایجاب می‌کند که برای کسب آن تلاش کنی.

مفهوم: روزی مقدّر است ولی تلاش برای کسب آن، لازم است.

- ۲) سحر دیدم درخت ارغوانی کشیده سر به بام خسته‌جانی^۱
 به گوش ارغوان آهسته گفتم: بهارت خوش که فکر دیگرانی **فریدون مشیری**
 ۳) چه در کار و چه در کار آزمودن نباید جز به خود، محتاج بودن^۲ **پروین اعتصامی**
 ۴- دربارهٔ ارتباط معنایی متن درس و مثل «از تو حرکت، از خدا برکت» توضیح دهید.

پاسخ کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی

- ۱- دَغَل: حيله‌گر، ناراست جَبَب: گریبان، یقه دُون‌هَمَتی: پستی و فرومایگی، طبع پست داشتن
 ۲- پیوند هم‌پایه‌ساز ← یقین، مرد را دیده، بیننده کرد شد و تکیه بر آفریننده کرد
 پیوند وابسته‌ساز ← خدا را بر آن بنده بخشایش است که خلق از وجودش در آسایش است
 ۳- «شد» در بیت اول فعل اسنادی و در بیت دوم غیر اسنادی در معنای «رفت» است.
 ۴- الف) قرار دادن واژه در جمله

۱- دست‌ها را از شادی به هم می‌زد. (عضو بدن)	۱- باد تند می‌وزید. (شدید)
۲- همه از یک دست و از یک جنس است. (نوع)	۲- بسیار تند می‌دوید. (سریع)
۳- علی دو دست شلوار خرید. (واحد شمارش)	۳- مزهٔ تند غذا همه جا پیچید. (سوزنده)

ب) با توجه به رابطهٔ معنایی

۱- دست یکی از اعضای مهم بدن است. (تضمین)	۱- مزهٔ غذا خیلی تند بود. (تضمین)
۲- مادر، دست در گردن کودک انداخت. (تناسب)	۲- طعم غذا تند و سوزنده بود. (تناسب)
۳- دو دست لیوان و یک سرویس ظرف پلوخوری خریدم. (ترادف)	۳- مردی تند و عصبانی به نظر می‌آمد. (ترادف)
	۴- شتر گاهی تند و گاهی کند حرکت می‌کرد. (تضاد)

قلمرو ادبی

- ۱- کنایه: به سر بردن (سپری کردن)/ دست کسی را گرفتن (به او کمک کردن)
 ۲- واژهٔ «چنگ» را دو بار با معانی مختلف به کار برده است و بدین سان آرایهٔ جناس همسان پدید آورده است.
 چنگ اول: نوعی ساز چنگ دوم: دست
 ۳- مشبّه: [تو] ادات تشبیه: چو مشبّه‌به: روباه وجه شبه: به وامانده سیر باشی
 ۴- «شیر»: نماد انسان‌های کوشا و متکی به خود «روباه»: نماد انسان‌های ضعیف و تنبل

- ۱- معنی: سحرگاه دیدم که درخت ارغوانی خود را به بام شخص غمگینی رسانده‌است. آهسته به او گفتم: زندگی‌ات خوش که به فکر دیگران هستی.
 ۲- معنی: چه در انجام کار و چه در تجربه‌اندوزی، تنها باید به خود، محتاج و متکی بود.
 مفهوم: به خود متکی بودن در کار و تجربه

قلمرو فکری

۱- انسانی که از عقل برخوردار باشد، احسان می‌نماید. زیرا افراد فرومایه، نادان و بی‌عقلند و فقط ظاهری انسانی دارند.

۲- باور قلبی، سبب شد که آن درویش بصیر و بینا شود و برای کسب روزی فقط به خدا توکل کند.

۳-

بیت ۱: (دعوت به تلاش و کار برای کسب روزی)	چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر	چه باشی چو روبه به وامانده سیر؟
بیت ۲: (دعوت به نیکی و به فکر دیگران بودن)	کسی نیک بیند به هر دو سرای	که نیکی رساند به خلق خدای
بیت ۳: (به خود متکی بودن در کار و زندگی)	بخور تا توانی به بازوی خویش	که سعیت بود در ترازوی خویش

۴- در هر دو تأکید شده است که «خداوند رزاق است و روزی‌دهنده؛ البته لازمه کسب روزی این است که انسان از خود تلاش و حرکتی نشان دهد تا خداوند هم به کار او خیر و برکت عطا نماید.

توجه: با توجه به جدول بارم بندی وزارتتی و توصیه های ذیل آن، ذکر شده در صفحه ۶، در شرح متن های «**روان خوانی، گنج حکمت و شعر خوانی**» و طرح سؤالات تکمیلی از این بخش ها، صرفاً به معنا، املا، واژگان، تاریخ ادبیات و معنی و مفهوم بسنده شده است. به دیگر سخن، شرح نکات دستوری و آرایه ای فقط به متن های اصلی اختصاص یافته است.

گنج حکمت: همت

۱- موری را دیدند که به زورمندی کمر بسته و ملخی را ده برابر خود برداشته. به تعجب گفتند: «این مور را ببینید که [بار] به این گرانی چون می‌کشد؟»

قلمرو زبانی: مور: مورچه زورمندی: زورآوری گرانی: سنگینی چون: چگونه

قلمرو فکری: معنی: مورچه‌ای را دیدند که برای زورآوری مصمم شده بود و ملخی ده برابر خود را برداشته بود. با تعجب گفتند: این مورچه را ببینید که چگونه بار به این سنگینی را حمل می‌کند؟

۲- مور چون این بشنید، بخندید و گفت: «مردان، بار را به نیروی همت و بازوی حمیت کشند، نه به قوت تن.»

قلمرو زبانی: همت: اراده، عزم حمیت*: غیرت، جوانمردی، مردانگی قوت: نیرو

قلمرو فکری: مورچه وقتی این سخن را شنید، خندید و گفت: مردان، بار را با عزم و اراده خود حمل می‌کنند نه با نیروی بدن.

پیام حکایت: برتری عزم و غیرت بر نیروی جسمانی بهارستان، جامی

سؤالات تکمیلی

قلمرو زبانی

۱- در مصراع‌های زیر، معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) فروماند در لطف و صنع خدای ب) در این بود درویش شوریده‌رنگ
ج) مردان، بار را به بازوی حمیت کشند. د) نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست

۲- برای واژه مشخص شده در مصراع «زنخدان فرو برد چندی به جیب»، یک برابر معنایی از بیت زیر بیابید.

«همه برده سر در گریبان فرو نشد هیچ کس را هوس، رزم او»

۳- با توجه به مصراع‌های زیر، معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) این مور، بار به این گرانی چون می کشد؟ (ب) فرو ماند در لطف و صنع خدای

۴- کدام معنی از واژه «قوت»، در مصراع «که روزی رسان قوت روزش بداد»، بر نمی آید؟

الف) غذا (ب) کفایت (ج) رزق (د) خوراک

۵- برای توضیح داده شده، واژه مناسب را از داخل کمانک انتخاب کنید.

الف) نوعی ساز که سر آن خمیده است و تارها دارد. (بربط / چنگ)

(ب) جانور پستانداری است از تیره سگان که جزو رسته گوشت‌خواران است. (شیر / شغال)

۶- درستی یا نادرستی واژه‌های خط کشیده شده را مشخص کنید.

الف) برو شیر درنده باش ای دغل (جادوگر)

(ب) فخری که از وسيلت دون همتی رسد (همت والا داشتن)

(ج) که بخشنده روزی فرستد ز غیب (عالم پنهان)

۷- در هر کدام از بیت‌های زیر، یک غلط املائی وجود دارد، آن را بیابید و اصلاح کنید.

الف) چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش ز دیوار مهرباش آمد به گوش

(ب) کرم ورزد آن سر که مغزی در اوست که دون حمتانند بی مغز و پوست

۸- در گروه کلمات زیر، دو غلط املائی وجود دارد، آن را بیابید و اصلاح کنید.

«غرض و وام، دوستان دغل، لطف و صنع، هلاوت‌سنجی معنی، ادبار و اقبال، قوت و رزق، نیروی همت، بازوی همت»

۹- در هریک از بیت‌های زیر، یک نادرستی رسم الخطی دیده می‌شود، آن را اصلاح کنید.

الف) برو شیر درنده باش ای دغل میانداز خود را چو روباه شَل

(ب) که چون زنده‌گانی به سر می برد؟ بدین دست و پای از کجا می خورد؟

۱۰- براساس کدام رابطه معنایی می‌توان به معنای واژه «سیر» در جمله‌های زیر پی برد؟

الف) سیر را غم گرسنه نیست، هم‌چنان که سوار را غم پیاده. (ب) سیر را معادل ۷۵ گرم می‌دانند.

۱۱- در بیت زیر، برای هریک از رابطه‌های معنایی «تضمن» و «تضاد»، نمونه‌ای بیابید.

«کرم ورزد آن سر که مغزی در اوست که دون همتانند بی مغز و پوست»

۱۲- در بیت زیر، از کدام روش می‌توان به معنای واژه «چنگ»، پی برد؟ الف) رابطه معنایی (ب) قرار گرفتن واژه در جمله

«نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست چو چنگش، رگ و استخوان ماند و پوست»

۱۳- با استفاده از شیوه «قراردادن واژه در جمله» معانی متفاوت واژه «خویش» را مشخص کنید.

۱۴- حرف «را» در دو مصراع زیر چه تفاوتی با هم دارند؟ توضیح دهید.

الف) شغال نگویند بخت را شیر خورد (ب) خدا را بر آن بنده بخشایش است

۱۵- در مصراع‌های زیر، نقش ضمیرهای پیوسته را بررسی کنید.

الف) بلند آن سر که او خواهد بلندش (ب) نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست

۱۶- نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

«برو شیر درنده باش ای دغل مینداز خود را چو روباه شل»

۱۷- در بیت زیر وابسته‌های پیشین و پسین را با ذکر نوع مشخص کنید.

«کسی نیک بیند به هر دو سرای که نیکی رساند به خلق خدای»

۱۸- با توجه به بیت زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

«نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست چو چنگش، رگ و استخوان ماند و پوست»

الف) نوع «واو» در «رگ و استخوان» چیست؟ (ب) بین واژه‌های «بیگانه و دوست»، چه رابطه معنایی وجود دارد؟

ج) در مصراع اول نوع حذف، به چه قرینه‌ای است؟ (د) ضمیر «ش»، در مصراع دوم چه نقشی دارد؟

۱۹- با توجه به بیت زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

«چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر چه باشی چو روبه به وامانده سیر؟»

الف) با کدام شیوه می‌توانیم به معنی واژه «سیر»، پی ببریم؟ (ب) یک پیوند وابسته‌ساز، مشخص کنید.

ج) کدام واژه، نقش مسندی دارد؟ (د) در مصراع اول، یک واژه «قیدی» بیابید.

۲۰- در بیت زیر، چند گروه مفعولی مشاهده می‌شود؟ آن‌ها را مشخص کنید.

«بگیر ای جوان، دست درویش پیر نه خود را بیفکن که دستم بگیر»

۲۱- در بیت زیر، واژه «زنخدان» با کدام واژه نقش دستوری یکسان دارد؟

«زنخدان فرو برد چندی به جیب که بخشنده، روزی فرستد ز غیب»

۲۲- با توجه به بیت زیر، درستی یا نادرستی عبارات زیر را مشخص کنید.

«یقین، مرد را دیده، بیننده کرد شد و تکیه بر آفریننده کرد»

الف) «شد»، یک فعل غیر اسنادی است. (ب) «واو»، در مصراع دوم، حرف عطف است.

ج) واژه «مرد» نقش مفعولی دارد. (د) بین «دیده» و «بیننده»، رابطه تناسب وجود دارد.

۲۳- در بیت زیر جمله وابسته (پیرو) را مشخص کنید.

«چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر چه باشی چو روبه به وامانده سیر؟»

قلمرو ادبی

۲۴- پدیدآورندگان آثار مقابل را بنویسید. فرهاد و شیرین: بهارستان:

۲۵- جای خالی را با کلمات مناسب، پر کنید.

«کتاب بوستان اثر است و در قالب سروده شده است.»

۲۶- در بیت زیر، ردیف و کلمات قافیه را مشخص کنید.

«خدا را بر آن بنده بخشایش است که خلق از وجودش در آسایش است»

۲۷- در کدام گزینه، جناس همسان مشاهده می‌شود؟

الف) با زمانی دیگر انداز ای که پندم می‌دهی کاین زمانم گوش بر چنگ است و دل در چنگ نیست

ب) بخور تا توانی به بازوی خویش که سَعِیت بود در ترازوی خویش

۲۸- در تشبیه مصراع «کزین پس به کنجی نشینم چو مور»، «مشبّه‌به» و «وجه‌شبه» را مشخص کنید.

۲۹- در بیت زیر، میان چه کلماتی جناس ناهمسان (ناقص) مشاهده می‌شود؟

«چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر / چه باشی چو روبه به وامانده سیر»

۳۰- در بیت زیر، دو آرایه ادبی نشان دهید.

«بگیر ای جوان، دست درویش پیر / نه خود را بیفکن که دستم بگیر»

۳۱- در کدام مصراع، واژه «چو» ادات تشبیه به شمار می‌آید؟ چرا؟

الف) چو چنگش، رگ و استخوان ماند و پوست / ب) چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش

۳۲- در بیت زیر، «مور» و «پیلان»، نماد چه کسانی هستند؟

«کزین پس نشینم به کنجی چو مور / که روزی نخوردند پیلان به زور»

۳۳- با توجه به بیت زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

«گرم ورزد آن سر که مغزی در اوست / که دون همتانند بی مغز و پوست»

الف) کدام واژه‌ها، با هم آرایه جناس پدید آورده‌اند؟ / ب) تناسب کدام واژه‌ها، آرایه مراعات نظیر ایجاد کرده است؟

۳۴- در بیت «نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست / چو چنگش، رگ و استخوان ماند و پوست»،

الف) کدام واژه، ایهام تناسب دارد؟

ب) معنای غیر اصلی واژه ایهامی را مشخص کرده و تناسب آن را با واژه‌های دیگر بنویسید.

۳۵- در بیت زیر، یک کنایه بیابید و مفهوم آن را بنویسید.

«که چون زندگانی به سر می‌برد؟ / بدین دست و پای از کجا می‌خورد؟»

۳۶- برای هریک از بیت‌های زیر، آرایه مناسب را از داخل کمانک انتخاب کنید.

الف) بخور تا توانی به بازوی خویش	که سَعِیت بود در ترازوی خویش (استعاره / مجاز)
ب) کسی نیک بیند به هر دو سرای	که نیکی رساند به خَلقِ خدای (تلمیح / تضمین)
ج) برو شیر درنده باش ای دغل	مینداز خود را چو روباه شل (تشبیه / کنایه)
د) چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش	ز دیوار محرابش آمد به گوش (جناس / حسن تعلیل)

قلمرو فکری

۳۷- معنی هریک از عبارات زیر را به نثر روان بنویسید.

الف) که روزی‌رسان قوت روزش بداد	ب) مینداز خود را چو روباه شل
ج) نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست	د) مردان بار را به نیروی همت و بازوی حمیت کشند.

۳۸- معنی ابیات زیر را به نثر روان بنویسید.

الف) یقین، مرد را دیده، بیننده کرد	شد و تکیه بر آفریننده کرد
ب) چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش	ز دیوار محرابش آمد به گوش

۳۹- گوینده در بیت زیر به جوان چه توصیه‌ای می‌کند؟

«بگیر ای جوان، دست درویش پیر / نه خود را بیفکن که دستم بگیر»

۴۰- با توجه به ابیات زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.

- ۱- چرا شخص در لطف و احسان خداوند متعجب شد؟
 «یکی روبهی دید بی‌دست و پای
 که چون زندگانی به سر می‌برد؟
 فرو ماند در لطف و صنع خدای
 بدین دست و پای از کجا می‌خورد؟»
 ۲- کدام کلمه در مفهوم «متحیر شدن» است

۴۱- با توجه به بیت زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید؟

- ۱- از نظر شاعر چه کسی اهل احسان و بخشش است؟
 «گرم ورزد آن سر که مغزی در اوست
 که دون همتانند بی‌مغز و پوست»
 ۲- مصراع دوم، افراد فرومایه را چگونه توصیف شده است؟

۴۲- با توجه به بیت زیر مشاهده وضعیت کدام حیوان، سبب شد که درویش شوریده‌رنگ تصمیم لازم را بگیرد؟

«گزین پس نشینم به کنجی چو مور
 که روزی نخوردند پیلان به زور»

الف) شغال ب) شیر ج) روباه

۴۳- در عبارت زیر، مقصود از «کمر بسته» چیست؟

«موری را دیدند که به زورمندی کمر بسته و ملخی را ده برابر خود برداشته.»

۴۴- مقصود از «زنخدان به جیب فرو بردن» در بیت زیر چیست؟

«زنخدان فرو برد چندی به جیب
 که بخشنده، روزی فرستد ز غیب»

۴۵- مقصود از مصراع دوم بیت «بخور تا توانی به بازوی خویش / که سعیت بود در ترازوی خویش» چیست؟

۴۶- با توجه به بیت «خدا را بر آن بنده بخشایش است / که خلق از وجودش در آسایش است» فراهم کردن آسایش دیگران، چه اثری برای شخص دارد؟

۴۷- در بیت «کسی نیک بیند به هر دو سرای / که نیکی رساند به خلق خدای» مقصود از «دو سرای» چیست؟

۴۸- شاعر در بیت زیر، بر چه مفهومی تأکید دارد؟

«رزق، هرچند بی‌گمان برسد
 شرط عقل است جستن از درها»

۴۹- مفهوم مشترک ابیات زیر، را بنویسید.

* بخور تا توانی به بازوی خویش که سعیت بود در ترازوی خویش
 * چه در کار و چه در کار آزمودن نباید جز به خود، محتاج بودن

پاسخ سؤالات تکمیلی

- ۱- الف) صنع: آفرینش، نیکویی، احسان ب) شوریده‌رنگ: آشفته‌حال ج) حمیت: غیرت، مردانگی، جوانمردی د) تیمار: غم
 ۲- گریبان ۳- الف) گرانی: سنگینی ب) فروماند: متحیر شد ۴- گزینه «ب»
 ۵- الف) چنگ ب) شغال ۶- الف) نادرست ب) نادرست ج) درست
 ۷- الف) مهرباب ← محراب ب) دون حمتان ← دون همتان ۸- هلاوت ← حلاوت همیت ← حمیت
 ۹- الف) میانداز ← مینداز ب) زنده گانی ← زندگانی ۱۰- الف) تضاد ب) ترادف
 ۱۱- تضمّن ← مغز و سر تضاد ← مغز و پوست ۱۲- گزینه «ب»، قرار گرفتن واژه در جمله

- ۱۳- الف) بخور تا توانی به بازوی خویش ← خود (ب) فریدون هیچ خویش و آشنایی نداشت ← خویشاوند
- ۱۴- در مصراع «الف» حرف «را»، نشانهٔ مفعول است اما در مصراع «ب»، فک اضافه است. خدا را بخشایش ← بخشایش خدا
- ۱۵- الف) نشانهٔ مفعول (خواهد بلندش ← او را بلند خواهد) (ب) مضاف‌الیه (تیمار خوردش ← تیمارش خورد)
- ۱۶- شیر ← مسند دغل ← منادا خود ← مفعول روباه ← متمم
- ۱۷- وابستهٔ پیشین: هر ← صفت مبهم دو ← صفت شمارشی وابستهٔ پسین: خدا ← مضاف‌الیه
- ۱۸- الف) حرف عطف (ب) تضاد (ج) لفظی (نه دوست تیمار خوردش) (د) متمم (چو چنگ، از او....)
- ۱۹- الف) قرار گرفتن در جمله (ب) «که» در «کز» (ج) سیر (د) چنان
- ۲۰- سه گروه: دست درویش پیر / خود / دستم
- ۲۱- روزی (هر دو مفعول هستند)
- ۲۲- الف) درست (ب) نادرست (ج) نادرست (د) درست
- ۲۳- از تو ماند چو شیر
- ۲۴- فرهاد و شیرین: وحشی بافقی بهارستان: جامی
- ۲۵- سعدی / مثنوی
- ۲۶- ردیف ← است کلمات قافیه ← بخشایش و آسایش
- ۲۷- گزینۀ «الف»
- ۲۸- مشبّه به ← مور وجه‌شبه ← کنجی نشینم
- ۲۹- سیر و شیر
- ۳۰- کنایه: دست گرفتن (کمک کردن) تضاد (جوان و پیر)
- ۳۱- گزینۀ «الف»، زیرا در معنی «مثل و مانند» به کار رفته است.
- ۳۲- مور ← انسان‌های ضعیف و ناتوان پیلان ← انسان‌های قدرتمند
- ۳۳- الف) سر و در (ب) مغز و پوست و سر
- ۳۴- الف) چنگ (ب) «دست»، با «رگ و پوست و استخوان»، تناسب دارد.
- ۳۵- «به سر می برد» کنایه از «سپری می کند»
- ۳۶- الف) مجاز: بازو (قدرت) (ب) تلمیح (إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ) (ج) تشبیه (چو روباه شل) (د) جناس (هوش و گوش)
- ۳۷- الف) خداوند غذای روزانه را به او عطا کرد. (ب) مثل روباه شل، خود را از کار و حرکت نینداز. (ج) آشنا و بیگانه، غم او را نخوردند. (د) مردان، بار را با عزم و اراده و غیرت خود حمل می‌کنند.
- ۳۸- الف) باور قلبی درویش به روزی‌رسانی خدا، دیدهٔ او را واقع بین کرد. بر این اساس رفت و به روزی‌رسانی خداوند توکل کرد. (ب) وقتی به خاطر ناتوانی، صبر و هوش برای او نماند، صدایی از دیوار عبادتگاه به گوشش رسید.
- ۳۹- به افراد نیازمند پیر کمک کند نه اینکه کار و فعالیت نکند و خود در انتظار کمک دیگران باشد.
- ۴۰- ۱) به خاطر اینکه روباه ناتوان چگونه زندگی‌اش سپری می‌شود؟ ۲) فروماند
- ۴۱- ۱- کسی که از عقل و فکر برخوردار باشد. ۲- آن‌ها نادان و بی‌عقل هستند و فقط ظاهری انسانی دارند.
- ۴۲- روباه
- ۴۳- آماده
- ۴۴- نشستن و کوشش نکردن
- ۴۵- نتیجهٔ کوشش تو به خودت می‌رسد.
- ۴۶- عفو الهی شامل حال او می‌شود.
- ۴۷- دنیا و آخرت
- ۴۸- تلاش و کار برای کسب روزی
- ۴۹- به خود متکی بودن، در کار و زندگی.

آزمون شماره ۱
سؤالات تألیفی - نوبت اول

ردیف	الف) قلمرو زبانی (۷ نمره) معنی واژه، املا و دستور	نمره
۱	معنی هریک از واژه‌های مشخص شده را بنویسید. (۱) از <u>فرط</u> هیجان لکه می‌دو (۲) روم به گلشن <u>رضوان</u> که مرغ آن چمنم (۳) من نامه‌ها را به خادم می‌دادم و <u>خیرخیر</u> جواب می‌آور	(۷۵/۰ نمره)
۲	عبارت «آن که مراحل سیر و سلوک را پشت سر گذاشته و سالکان را راهنمایی و هدایت می‌کند»، در توضیح کدام واژه آمده است؟ الف) مراد ب) مرید ج) سالک د) معجذوب	(۲۵/۰ نمره)
۳	املاي درست را از داخل کمانک، انتخاب کنید. الف) شمس (ناگذیر / ناگزیر) دل از قونیه برکند و عزم کرد که دیگر بدان شهر پرغوغا باز نیاید. ب) سپیده فردای گنجه با نهیب و (صفیر / سفیر) گلوله‌های توپ روس، باز شد.	(۵/۰ نمره)
۴	در هریک از موارد زیر، یک نادرستی املايي بیابید و درست آن را بنویسید. الف) مولانا، چشمانی جذاب داشت و از نظر اخلاق و صیرت، ستوده اهل حقیقت بود. ب) من طاقتِ قُرب ندارم؛ نهایتِ بُعد اختیار کردم، که غربت را خطر بسیار است.	(۵/۰ نمره)
۵	در گروه کلمات زیر، چهار غلط املايي وجود دارد. شکل صحیح هریک را بنویسید. «طوع و رغبت - نجح البلاغه - خطوات متغارب - هزاهز و غریو - منبع بی شاعبه - مه خوش لقا - مرثیه و تعزیه - حرص و استصقا»	(۱ نمره)
۶	در بیت «در آن تاریک شب می‌گشت پنهان فروغ خرگه خوارزمشاهی» الف) بیت را بر اساس ترتیب اجزای جمله مرتب کنید. ب) کدام واژه نقش مسندی دارد؟	(۵/۰ نمره)
۷	در عبارت «چون نامه‌ها گسپیل کرده شود، تو باز آی که پیغامی ست سوی بونصر در بایی» الف) فعل مجهول را مشخص کنید. ب) نقش دستوری «پیغام» را بنویسید.	(۵/۰ نمره)
۸	در بیت زیر، واژه «چنان»، با کدام واژه، نقش دستوری یکسانی دارد؟ به نقش مشترک اشاره کنید. «چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر چه باشی چو روبه به وامانده سیر؟»	(۵/۰ نمره)
۹	با توجه به متن زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید. «با این همه، پیشگامی حاکم شهر، جوادخان، در دفاع و پیش‌مرگی برادرانش، شوری در جان‌ها می‌نهاد.» الف) نقش دستوری «شوری»، را بنویسید. ب) واژه «معطوف»، از چه نقشی تبعیت می‌کند؟ ج) کدام واژه در نقش تبعی بدل به کار رفته است؟ د) یک وابسته شاخص مشخص کنید.	(۵/۰ نمره)
۱۰	در متن زیر، وابسته‌های پیشین را با ذکر نوع آن مشخص کنید. برای من قصه‌های شیرینی می‌گفت که او و مادرم، هر دو، آنها را از مادر بزرگشان به یاد داشتند. از این مادر بزرگ زیاد حرف می‌زدند.	(۱ نمره)
۱۱	در جمله بیت زیر، جمله «هسته» و «وابسته»، را مشخص کنید. «می‌داشت پدر، به سوی او گوش کاین قصه شنید، گشت خاموش»	(۵/۰ نمره)

۱۲	تفاوت معنایی فعل «شد»، را در دو بیت زیر، بررسی کنید. (الف) چون رایت عشق آن جهانگیر شد چون مه لیلی آسمان گیر (ب) یقین، مرد را دیده بیننده کرد شد و تکیه بر آفریننده کرد	(۵/۰ نمره)
	(ب) قلمرو ادبی (۵ نمره) حفظ شعر و آرایه‌های ادبی	
۱۳	آرایه ادبی مناسب هر بیت را از داخل کمانک، انتخاب کنید. (الف) اگر لطفش قرین حال گردد همه ادب‌ها اقبال گردد (کنایه / تضاد) (ب) گرچه ز شراب عشق مستم عاشق‌تر از این کنم که هستم (استعاره / جناس) (ج) در خواب دوش، پیری در کوی عشق دیدم با دست، اشارتم کرد که عزم سوی ما کن (ایهام تناسب / ایهام) (د) کنار نام تو لنگر گرفت کشتی عشق بیا که یاد تو آرامشی است طوفانی (تضاد / تناقض)	(۱ نمره)
۱۴	در قسمت مشخص شده در عبارت زیر، چه آرایه ادبی مشهود است؟ «صبح حرکت فرارسید. آفتاب داشت تیغ می کشید. گرد و غبار سپاهیان، آسمان تبریز را فراگرفته بود.»	(۲۵/۰ نمره)
۱۵	در بیت «در آن سیماب‌گون امواج لرزان خیال تازه‌ای در خواب می‌دید» (الف) واژه «امواج»، با کدام واژه، ارتباطی مبتنی بر تشبیه دارد؟ (ب) مفهوم کنایی مصراع دوم را بنویسید.	(۵/۰ نمره)
۱۶	نویسنده در عبارت زیر، با بیان کدام واژه، مفهومی غیر حقیقی (مجاز)، را اراده کرده است؟ «زری که سلطان محمود به غزو از بتخانه‌ها به شمشیر بیاورده باشد و بتان شکسته و پاره کرده.»	(۲۵/۰ نمره)
۱۷	در بیت زیر، شیر و روباه، نماد چه کسانی هستند؟ «شغالِ نگون‌بخت را شیر خورد بماند آنچه روباه، از آن سیر خورد»	(۵/۰ نمره)
۱۸	در بیت زیر، «استعاره» را مشخص کرده و آن را بررسی کنید. «به ترانه‌های شیرین، به بهانه‌های زرین بکشید سوی خانه، مه خوب خوش‌لقا را»	(۵/۰ نمره)
۱۹	جاهای خالی عبارت زیر را به شکلی درست پر کنید. «متن زیر، برگرفته از کتاب زندان موصل، خاطرات اسیر آزاد شده از است.» «چند ماه از ورودم به زندان موصل ۴ می‌گذشت که متوجه شدم، چند نفر از بچه‌ها در اردوگاه، سواد چندانی ندارند و خواندن و نوشتن برایشان سخت است. تصمیم گرفتم برای استفاده بهتر از وقتم، با برنامه‌ریزی منظم، خواندن و نوشتن به آنان یاد دهم.»	(۵/۰ نمره)
۲۰	مصراع دیگر هریک از بیت‌های زیر، بنویسید. (الف) شاهد آن روضه فیروزه‌فام (ب) دی، شیخ با چراغ همی گشت دور شهر	(۱ نمره)
۲۱	نام آفرینندگان هریک از آثار مقابل را بنویسید. (الف) اسرارالتوحید: (ب) عباس میرزا، آغازگری تنها:	(۵/۰ نمره)

ج) قلمرو فکری (۸ نمره) معنی و مفهوم نظم و نثر و درک مطلب	
معنی هریک از متن‌های زیر را به نثر روان بنویسید.	
۲۲	کرم ورزد آن سر که مغزی در اوست که دون همتانند بی مغز و پوست (۱ نمره)
۲۳	امیر از آن جهان آمده، جامه بگردانید و تر و تباه شده بود. (۵/۰ نمره)
۲۴	ز مستی بر سر هر قطعه زین خاک خدا داند چه افسرها که رفته (۷۵/۰ نمره)
۲۵	مردمی که به خانه‌های تاریک و بی‌دریچه عادت کرده‌اند، از پنجره‌های باز و نورگیر، گریزان هستند. (۵/۰ نمره)
۲۶	حق تعالی چون اصناف موجودات می‌آفرید، وسایط گوناگون در هر مقام، بر کارکرد. (۷۵/۰ نمره)
۲۷	گفت: «زود باشد که این پسر تو، آتش در سوختگان عالم زند.» (۵/۰ نمره)
د) درک مطلب	
۲۸	با توجه به متن زیر، نویسنده چگونه با ندانستن معنی بعضی از لغات، مفهوم کلام سعدی را درمی‌یافته است؟ «خوش‌بختانه، دامنه کلام و معنی به قدر کافی وسعت داشت که ندانستن مقداری لغت، مانع از برخورداری ما نگردد. اگر یک بیت را نمی‌فهمیدیم، از بیت دیگر مفهومی را درمی‌یافتیم.» (۵/۰ نمره)
۲۹	در بیت زیر، مولانا چه چیزی را مایه دروغ و افسوس می‌داند؟ «برای من مگرِی و، مگو دروغ! دروغ! به دام دیو درافتی، دروغ آن باشد» (۵/۰ نمره)
۳۰	مفهوم مشترک بیت و عبارت زیر، را بنویسید. حکمت با ملایکه می‌گفت: شما در گل منگرید، در دل نگرید. «تو ز قرآن ای پسر، ظاهر مبین دیو، آدم را نبیند غیر طین» (۵/۰ نمره)
۳۱	در عبارت زیر، به چه مفهومی اشاره شده است؟ «مرد باید در میان بازار مشغول تواند بود، چنانکه یک لحظه از حق تعالی، غایب نشود.» (۵/۰ نمره)
۳۲	شاعر در بیت زیر، چه صحنه‌ای از نبرد را وصف می‌کند؟ «ولی چندان که برگ از شاخه می‌ریخت دوچندان می‌شکفت و برگ می‌کرد» (۵/۰ نمره)
۳۳	گوینده عبارت زیر، از کدام فضیلت‌های اخلاقی برخوردار است؟ «چون به آن چه دارم و اندک است قانعم، وزر و وبال این، چه به کار آید؟» (۵/۰ نمره)
۳۴	سعدی در بیت زیر، بر چه مفهومی تأکید کرده است؟ «رزق هر چند بی‌گمان برسد شرط عقل است جستن از درها» (۵/۰ نمره)
۳۵	شاعر در بیت زیر، خانه کعبه را چگونه توصیف کرده است؟ «حاجت‌گه جمله جهان اوست محراب زمین و آسمان اوست» (۵/۰ نمره)

پاسخ نامه تشریحی

- ۱- (۱) فرط: بسیاری (۲) رضوان: بهشت (۳) خیرخیر: سریع، آسان
- ۲- گزینۀ «الف» (۳- الف) ناگزیر (ب) صغیر (۴- الف) صیرت ← سیرت (ب) غربت ← قربت
- ۵- نهج البلاغه ← نهج البلاغه متغارب ← متقارب بی‌شاعبه ← بی‌شائبه استصفا ← استسقا
- ۶- الف) فروغ خرگه خوارزمشاهی، در آن تاریک شب، پنهان می‌گشت. (ب) پنهان
- ۷- الف) گسیل کرده شود (ب) نهاد
- ۸- چه (هر دو واژه، نقش قیدی دارند). (۹- الف) مفعول (ب) متمم (ج) جواد خان (د) خان
- ۱۰- هر ← صفت مبهم این ← صفت اشاره
- ۱۱- جمله هسته ← گشت خاموش جمله وابسته ← این قصه شنید
- ۱۲- الف) به صورت فعل اسنادی، به کار رفته و نشان‌دهندۀ تغییر و دگرگونی است.
(ب) فعل غیر اسنادی، در معنای «رفت»، کاربرد دارد.
- ۱۳- الف) تضاد (ب) جناس (مست و هست) (ج) ایهام تناسب در واژه «دوش» (د) تناقض (آرامش طوفانی)
- ۱۴- کنایه (طلوع کرد) (۱۵- الف) سیماب (ب) فکر تازه‌ای به ذهنش رسید.
- ۱۶- شمشیر (مجاز از قدرت/ جنگ) ۱۷- شیر ← انسان‌های کوشا و متکی به خود روباه ← انسان‌های ضعیف و تنبل
- ۱۸- مه (ماه)، استعاره از معشوق است. ۱۹- «اصغر رباط جزى» از «کامور بخشایش»
- ۲۰- الف) نادره کبکی به جمال تمام (ب) کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست
- ۲۱- الف) محمد بن منور (ب) مجید واعظی
- ۲۲- آن وجودی که از عقل برخوردار باشد، بخشش می‌کند؛ زیرا افراد پست و کوتاه‌همت، نادان و بی‌عقل هستند.
- ۲۳- پادشاه از مرگ نجات یافته، لباس‌هایش را عوض کرد و خیس و کوفته شده بود.
- ۲۴- خدا می‌داند که به خاطر عشق به وطن، برای هر قطعه از این سرزمین، چه پادشاهانی جان خود را فدا کرده‌اند.
- ۲۵- مردمی که به افکار محدود و سنت‌های کهنه عادت کرده‌اند، از اندیشه‌ها و حرکت‌های نو و انقلابی‌گريزان هستند.
- ۲۶- خداوند بلندمرتبه، وقتی انواع موجودات را می‌آفرید، در ساختن هر موجود از واسطه‌هایی استفاده کرد.
- ۲۷- به زودی این پسر تو، در میان عاشقان جهان، شور و هیجانی ایجاد می‌کند.
- ۲۸- به کمک وسعت دامنه کلام و معنی و ابیات بعدی
- ۲۹- اینکه انسان، در دام شیطان قرار گیرد و اسیر هوا و هوس شود.
- ۳۰- نفی ظاهر و توجه به باطن
- ۳۱- پرداختن به زندگی اجتماعی همراه با عبادت حق
- ۳۲- افزونی سپاه مغول، با وجود اینکه عدۀ زیادی از آنها کشته می‌شدند.
- ۳۳- قانع بودن
- ۳۴- روزی، مقدر است اما تلاش برای کسب آن، شرط عقل است.
- ۳۵- محل برآورده شدن آرزوهای همه مردم / عبادتگاه اهل زمین و آسمان

■ ستایش

احسان: بخشش، نیکویی
ادبار: بد بختی، سیه روزی؛
 متضاد اقبال
اقبال: خوش بختی، سعادت
توفیق: آن است که خداوند،
 اسباب را موافق خواهش بنده، مهیا
 کند تا خواهش او به نتیجه برسد؛
 سازگار گردانیدن
تیره‌رایی: بد اندیشی، گمراهی
چاشنی‌بخش: آنچه برای
 اثربخشی بیشتر کلام به آن اضافه
 می‌شود.

حلاوت: شیرینی

قرین: همراه

نژد: خوار و زبون

■ درس یکم

بخشایش: عفو، چشم‌پوشی از گناه
 کسی

تیمار: غم

جیب: گریبان، یقه

چنگ: دست

چنگ: نوعی ساز که سر آن

خمیده است و تارها دارد.

حمیت: غیرت، جوانمردی،

مردانگی

درویش: زاهد

دَغَل: حيله گر، ناراست

دون‌هَمّت: کوتاه هَمّت، دارای

طبع پست و کوتاه اندیشه

روزی: رزق، غذای روزانه

زَنخَدان: چانه

سرا: خانه، محل اقامت

شَل: دست و پای از کار افتاده

شغال: جانور پستانداری است

از تیره سگان که جزو رسته

گوشت‌خواران است.

شوریده رنگ: آشفته حال

صَنع: نیکویی و احسان، آفرینش

غیب: پنهان، نهان از چشم،

عالمی که خداوند، فرشتگان و

در آن قرار دارند.

فروماندن: متحیر شدن

قوت: رزق روزانه، خوراک، غذا

گران: سنگین

محراب: عبادتگاه

هَمّت: اراده، عزم

■ درس دوم

اطبّا: جمع طبیب، پزشکان

اعیان: بزرگان

افگار: مجروح، خسته

اندک مایه: کم، ناچیز

ایزد: خدا، آفریدگار

باب: موضوع

باردادن: اجازه حضور دادن

باز: پرندۀ شکاری

بَت: مجسمه

برنشستن: سوار شدن

بشارت: خبر خوش

بی‌شبّهت: بی‌شک، بی‌تردید

تاس: کاسه

تشویش: اضطراب و پریشانی

توقیع: مَهر یا امضای پادشاهان و

بزرگان در ذیل یا بر پشت فرمان یا

نامه

توقیع کردن: مَهر زدن یا امضا کردن

جامه: هر چیز گستردنی، فرش

چاشتگاه: هنگام چاشت،

نزدیک ظهر

حَشَم: خدمتکاران

حُطام: مال، ثروت

خُطوات: جمع خُطوه، گام‌ها، قدم‌ها

خیر خیر: سریع، آسان

خیلتاش: هریک از سپاهییانی

که از یک دسته باشند

در بایست: نیاز، ضرورت

دُرُست: سالم، تندرست

دِرَم: پول نقره یا طلا، درهم

دَوَال: چرم و پوست

یک دَوَال: یک لایه، یک پاره

راغ: دامنۀ سبز کوه، صحرا

راه یافتن: اجازه ورود پیدا کردن

رعیت: عامۀ مردم

رُقعت: رقعۀ، نامه کوتاه، یادداشت

رقم کشیدن: نوشتن

روضه: باغ، گلزار

زایل شدن: نابود شدن،

برطرف شدن

زَر پاره: قراضه و خردۀ زر،

زر سگۀ شده

سُبْحان الله: پاک و منزّه است خدا

(برای بیان شگفتی به کار می‌رود)

معادل «شگفتا»

سِتَدن: ستاندن، دریافت کردن

جدول نموداری تاریخ ادبیات

ردیف	شماره درس	عنوان متن	شاعر / نویسنده	شرح نکات مهم
	ستایش	لطف خدا	وحشی بافقی	مثنوی «فرهاد و شیرین» یکی از سروده‌های اوست.
۱	یکم	نیکی	سعدی	۱. کتاب «گلستان»، را به «نثر آمیخته به نظم» نگاشته.
	ادبیات تعلیمی	گنج حکمت (همت)	جامی	«بهارستان»، «نثر آمیخته به نظم» از آثار اوست.
۲	دوم	قاضی بُست	ابوالفضل بیهقی	کتاب «تاریخ بیهقی» از اوست.
	ادبیات تعلیمی	شعرخوانی (زاغ و کبک)	جامی	مثنوی «تُحفة الاحرار»، از سروده‌های اوست.
۳	سوم ادبیات پایداری	در امواج سند	مهدی حمیدی	شاعر در این شعر، مقاومت «جلال‌الدین خوارزمشاه» را در برابر حمله مغولان، در قالب «چهارپاره»، به تصویر کشیده.
		چهارپاره (دوبیتی پیوسته)	-	۱. این شعر از چند بند هم‌وزن و هم‌آهنگ تشکیل شده است. هر بند، شامل چهار مصراع است.
				۲. برای طرح مضامین اجتماعی و سیاسی به کار می‌رود و رواج آن، از دوره مشروطه بوده و تاکنون ادامه یافته است.
				۳. نمونه‌های این قالب در سروده‌های «ملک‌الشعرا بهار»، «فریدون مشیری» و «فریدون تولی» آمده است.
		گنج حکمت (چو سرو باش)	سعدی	«چو سرو باش» از حکایت‌های «گلستان» سعدی است.
۵	پنجم ادبیات پایداری	آغازگری تنها	مجید واعظی	۱. کتاب «عباس میرزا، آغازگری تنها»، از اوست.
		روان‌خوانی (تا غزل بعد)	کامور بخشایش	۲. موضوع این کتاب، مقاومت سپاهیان «عباس میرزا»، شاهزاده قاجار، در برابر «حمله روس‌ها» است.
۶	ششم ادبیات غنایی	پرورده عشق	نظامی گنجهای	۱. کتاب «زندان موصل»، از اوست.
		گنج حکمت (مردان واقعی)	عطار نیشابوری	۲. در این کتاب، خاطرات اسیر آزاد شده، «صغر رباط جزی» آمده.
۷	هفتم ادبیات غنایی	باران محبت	نجم‌الدین رازی معروف به دایه	۱. «مرصادالعباد»، در قالب «نثر آمیخته به نظم» با موضوع عرفان از اوست.
		شعرخوانی (آفتاب حُسن)	جلال‌الدین محمد مولوی	۱. «غزلیات شمس» از سروده‌های عرفانی اوست.
۸	هشتم ادبیات سفر و زندگی	در کوی عاشقان بدیع الزمان فروزانفر		۲. غزل عاشقانه «آفتاب شمس» در این کتاب آمده است.
				«زندگانی جلال‌الدین محمد مشهور به مولوی»، به نثر از اوست. وی در لابه لای متن، از اشعار مولوی استفاده کرده.
				۱. شیخ عطار، کتاب «اسرارنامه»، را به مولوی در سفر پدرش به نیشابور هدیه داد.
				۲. «شیخ صلاح‌الدین زرکوب» و «حسام‌الدین چلبی»، از مریدان مولوی هستند که انگیزه سرودن مثنوی را در او ایجاد کردند. «سعدی» و «فخرالدین عراقی» از عارفان هم‌روزگار مولانا هستند.

جمع بندی مفاهیم مشترک ابیات و عبارات

- ۱- * رزق هر چند بی‌گمان برسد شرط عقل است جُستن از درها
* چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر چه باشی چو روبه به وامانده سیر؟

مفهوم مشترک: دعوت به تلاش و کار برای کسب روزی

- ۲- * سحر دیدم درخت ارغوانی کشیده سر به بام خسته‌جانی
به گوش ارغوان آهسته گفتم: بهارت خوش که فکر دیگرانی
* کسی نیک بیند به هر دو سرای که نیکی رساند به خلق خدای

مفهوم مشترک: دعوت به نیکی و به فکر دیگران بودن

- ۳- * چه در کار و چه در کار آزمودن نباید جز به خود، محتاج بودن
* بخور تا توانی به بازوی خویش که سَعِیت بود در ترازوی خویش

مفهوم مشترک: به خود متکی بودن در کار و زندگی

- ۴- * من مُسْتَحِقِ نشانم که زَر به ایشان توان داد و مرا چه افتاده که زَر، کسی دیگر بَرَد و شمارِ آن به قیامت مرا باید داد؟! حساب خود اینجا کن، آسوده‌دل شو

مفهوم مشترک: حسابرسی اعمال در همین دنیا

- ۵- * بازکشید از روش خویش پای در پی او کرد به تقلید جای
* بر قدم او قدمی می‌کشید وز قلم او رقمی می‌کشید

مفهوم مشترک: تقلید خام و کورکورانه

- ۶- * ز مستی بر سر هر قطعه زین خاک خدا داند چه افسرها که رفته!
* در ره عشق وطن، از سر جان خاسته‌ایم تا در این ره چه کند همت مردانه ما

مفهوم مشترک: فداکاری و جان‌فشانی در راه وطن

- ۷- * جان‌فشانی‌های شما افسران عزیز، علی‌رغم محرومیت‌ها تا به آنجا بود که دشمن را هم به تحسین و اعجاب واداشت.

* به فرزندان و یاران گفت چنگیز که گر فرزند باید، باید این سان!

مفهوم مشترک: تحسین دشمن از شجاعت حریف

- ۸- * دانست که دل، اسیر دارد دردی نـهـه دواپـذیر دارد
* از سرِ تعمیر دل بگذر که معماران عشق روز اول رنگ این ویرانه، ویران ریختند

مفهوم مشترک: درمان‌ناپذیری عشق

- ۹- * گو یارب از این گزاف‌کاری توفیق دهم به رستگاری
* عشق‌بازی، کار بیکاران بُود عاقلش با کار بیکاران چه کار؟

مفهوم مشترک: نکوهیده و ناپسند دانستن عشق

جمع‌بندی مفاهیم ابیات و عبارات مهم

مفهوم

- (۱) بلند آن سر، که او خواهد بلندش
- (۲) به ترتیبی نهاده وضع عالم
- (۳) اگر لطفش قَرین حال گردد
- (۴) و گر توفیق او یک سو نهد پای
- (۵) خرد را گر نبخشد روشنایی
- (۶) کمال عقل آن باشد در این راه
- (۷) یقین، مرد را دیده، بیننده کرد
- (۸) برو شیر درنده باش، ای دَغَل
- (۹) کَرَم ورزد آن سر که مغزی در اوست
- (۱۰) در آن تاریک شب می‌گشت پنهان
- (۱۱) ولی چندان که برگ از شاخه می‌ریخت
- (۱۲) به پاس هر وجب خاکی از این مُلک
- (۱۳) چو آتش در سپاه دشمن افتاد
- (۱۴) به آنچه می‌گذرد دل من که دجله بسی
- (۱۵) گرت ز دست برآید چو نخل باش کریم
- (۱۶) چون شیر به خود سپه‌شکن باش
- (۱۷) آمد سوی کعبه سینه پُرجوش
- (۱۸) گویند ز عشق کن جدایی
- (۱۹) می‌گفت گرفته حلقه در بر
- (۲۰) گو یا رب، از این گزاف کاری
- (۲۱) حاجت‌گه جمله جهان اوست
- (۲۲) چون رایست عشق آن جهانگیر
- (۲۳) پرورده عشق شد سرشتم
- (۲۴) دانست که دل، اسیر دارد
- (۲۵) یک بار هم ای عشق من از عقل میندیش
- (۲۶) گر من نظری به سنگ بر، بگمارم
- (۲۷) پنهان ز دیده‌ها و همه دیده‌ها از اوست
- (۲۸) بنمای رُخ که باغ و گلستانم آرزوست
- (۲۹) سرنشتر عشق بر رگ روح زدند
- (۳۰) به روز مرگ، چو تابوت من روان باشد
- (۳۱) کدام دانه فرو رفت در زمین که نرُست
- نژند آن دل، که او خواهد نژندش
- که نی یک موی باشد بیش و نی کم
- همه اِدبارها اقبال گردد
- نه از تدبیر کار آید نه از رای
- بماند تا ابد در تیره‌رایبی
- که گوید نیستم از هیچ، آگاه
- شد و تکیه بر آفریننده کرد
- مینداز خود را چو روباه شَل
- که دون هم‌تانند بی مغز و پوست
- فروغ خَرگه خوارزمشاهی
- دوچندان می‌شکفت و برگ می‌کرد
- چه بسیار است آن سرها که رفته
- ز آتش هم کمی سوزنده‌تر شد
- پس از خلیفه خواهد گذشت در بغداد
- وَرَت ز دست نیاید چو سرو باش آزاد
- فرزند خصال خویشتن باش
- چون کعبه نهاد حلقه در گوش
- این نیست طریق آشنایی
- کامروز منم چو حلقه بر در
- توفیق دهم به رستگاری
- مِحراب زمین و آسمان اوست
- شد چون مه لیلی آسمان گیر
- جز عشق مباد سرنوشت
- دردی نه دواپذیر دارد
- بگذار که دل حل بکند مسئله‌ها را
- از سنگ، دلی سوخته بیرون آرم
- آن آشکار صنعت پنهانم، آرزوست
- بگشای لب که قند فراوانم آرزوست
- یک قطره فرو چکید و نامش دل شد
- گمان مبر، که مرا درد این جهان باشد
- چرا به دانه انسانیت این گمان باشد
- عزت و ذلت، به دست خداست
- نظم حاکم بر جهان آفرینش
- لطف خدا، عامل نیک‌بختی است
- برتری توفیق الهی بر تدبیر
- قدرت فهم عقل از لطف خداست
- ناتوانی عقل در شناخت خداوند
- توکل بر روزی‌رسانی خداوند
- به خود متکی بودن در کار
- بخشش، نشانه خردمندی است
- نابودی شکوه و قدرت پادشاهی
- زیاد بودن سربازان مغول
- جان‌فشانی برای حفظ وطن
- توصیف شجاعت جلال‌الدین
- گذرا بودن روزگار
- توصیه به بخشندگی و آزادی
- متکی بودن به توانایی‌های خویش
- اظهار بندگی به درگاه الهی
- وفاداری در عشق
- متوسل شدن به خانه خدا
- یاری از خدا برای رهایی از عشق
- کعبه، عبادتگاه همه حاجتمندان
- پرواوزه شدن عشق مجنون
- فطری و ازلی بودن عشق
- درمان‌ناپذیری درد عشق
- ناتوانی عقل در حل مشکلات
- اثرگذاری عنایت الهی بر پدیده‌ها
- خدا در عین آشکاری، پنهان است
- آرزوی دیدار معشوق
- دل، حاصل عشق و روح است
- بی‌تعلقی و آزادی
- زندگی پس از مرگ / معاد

آموزش آرایه‌های ادبی

۱- تشبیه:

ادعای همانندی و اشتراک چیزی است با چیز دیگر در یک یا چند صفت.

ارکان تشبیه: ۱- مشبّه ۲- مشبّه‌به ۳- وجه شبه ۴-ادات تشبیه

۱- مشبّه: اسمی که مانند می‌شود. ۲- مشبّه‌به: اسمی که چیزی به آن مانند می‌شود.

۳- وجه شبه: صفت مشترک بین دو اسم ۴-ادات تشبیه: واژه‌هایی که شباهت را به وسیله آنها نشان می‌دهند.

این ادات، اغلب عبارتند از: چون، چو، مانند، مثال، به سان، به رنگ، به کردار، همچون و ...

توجه: ۱- برای ساختن یک تشبیه، وجود طرفین تشبیه (مشبّه و مشبّه‌به) الزامی است اما وجود بقیه ارکان ضروری نیست.

۲- به تشبیهی که به صورت مضاف و مضاف‌الیه به کار رود، اضافه تشبیهی می‌گویند.

مشبّه‌به	مشبّه	بیت
مور	(من)	کـه روزی نخوردنـد پـیلان بـه زور
شیر / روباه	(تو)	چـه باشی چـو روبـه بـه وامـنده، سـیر؟
خوناب	شفق	بـه خـون آلوده، ایرـان کـهن دـید
باران	تیر	مـیان شـام رستـاخیز مـی‌گـشت
کوه	امواج	ز امـواج گـران، کـوه از پـی کـوه
ماه	فرزند	بـنشانـد چـو مـاه در یـکی مـهـد
بلا	عشق	آزاد کـنن از بـلای عـشـقم
شب‌نم	عشق	صـد فـتنـه و شـور در جـهان، حـاصل شـد
دانه	انسان	چـرا بـه دانـه انـسانـت ایـن گـمان باشـد؟

۲- استعاره و تشخیص:

الف) استعاره نوع ۱ (مصرّحه): هر واژه، یک معنای اصلی و گاهی یک یا چند معنای غیر اصلی دارد؛ به معنای اصلی واژه، معنای حقیقی و به معنای غیر اصلی آن، معنای مجازی می‌گویند. هرگاه کلمه‌ای در معنای غیر حقیقی به کار رود و به دلیل شباهت، جایگزین کلمه دیگری شود، آرایه استعاره نوع ۱ (مصرّحه) ایجاد شده است.

به دیگر سخن، این نوع استعاره، تشبیهی است که از طرفین آن فقط «مشبّه‌به» باقی بماند.

مثلاً در مصراع «به من آورید آخر، صنم گریز پا را»، «صنم» استعاره از «معشوق» می‌شود زیرا «مشبّه» (معشوق) حذف شده

راه تشخیص این نوع استعاره‌ها: در این نوع استعاره‌ها می‌توان بین معنای غیر حقیقی و معنای اصلی واژه، رابطه شباهت ایجاد کرد. مثلاً در مصراع «بکشد سوی خانه، مه خوب خوش لقا را» کلمه «مه» استعاره از معشوق است زیرا در معنی اصلی خود یعنی ماه آسمان به کار نرفته و در ذهن گوینده، معشوق، شبیه ماه تصور شده است.

ب) استعاره نوع ۲ (مکنیه): تشبیهی است که مشبّه آن همراه ویژگی «مشبّه‌به» ظاهر شود و خود «مشبّه‌به» حذف شود. این ویژگی یا به «مشبّه» اضافه می‌گردد مثل «خنده چمن» و یا به آن نسبت داده می‌شود مثل «چمن خندید». مثلاً در عبارت «ابر، مثل انسان عاشق می‌گردد.» اگر انسان عاشق که «مشبّه‌به» است حذف شود، «گریستن» که ویژگی آن است به ابر نسبت داده می‌شود پس در «ابر می‌گردد» یک استعاره مکنیه ایجاد شده است.

راه شناخت استعاره نوع ۲ (مکنیه):

مثلاً در ترکیب «عنان عقل» می‌گوییم: عقل، عنان (= افسار) ندارد و «عنان» از ویژگی‌های اسب است پس «عنان عقل» استعاره نوع ۲ است. و یا در «خنده شمع»، خنده از ویژگی‌های انسان است نه شمع، پس «خنده شمع» استعاره است.

ج) تشخیص: نسبت دادن ویژگی و حالات انسانی به عناصر بی‌جان طبیعت، پرندگان، گل‌ها و دیگر موجودات، آرایه تشخیص ایجاد می‌نماید. به دیگر سخن، استعاره‌ای که «مشبه‌به» آن انسان باشد، تشخیص نیز نامیده می‌شود. مثلاً در بیت «کمال عقل آن باشد در این راه/ که گوید نیستم از هیچ، آگاه» «سخن گفتن» که یکی از ویژگی‌های انسان است، به عقل نسبت داده شده است. پس در بیت مذکور می‌توانیم بگوییم آرایه تشخیص یا استعاره ایجاد شده است.

نکته: هر چیز غیر از انسان که با حرف «ندا» و یا بدون آن، مورد خطاب واقع شود و در معنای اصلی خود به کار رود، تشخیص است. مثلاً در جمله «صبا بر آن سر زلف ار دل مرا بینی»، «صبا» تشخیص است زیرا مورد خطاب واقع شده است.

تذکر مهم: اگر واژه‌ای که با حرف «ای» مورد خطاب واقع می‌شود، در معنی اصلی خود به کار نرفته باشد و منظور، چیز دیگری باشد، در آن مورد فقط استعاره نوع ۱ ایجاد شده است و تشخیصی در کار نیست. مثلاً در مصراع «ای سرخ گل که فداکاری پیشه کرده ای»، واژه «سرخ گل»، فقط استعاره از «جنوب لبنان» است، و نامیدن آرایه تشخیص برای آن درست نیست؛ هرچند که با حرف «ای» مورد خطاب واقع شده است.

شبهات تشخیص و استعاره نوع ۲ (مکنیه):

اگر ویژگی مورد نظر مربوط به انسان باشد، بین این نوع استعاره و تشخیص فرقی نیست و هر دو آرایه ایجاد شده است. ولی اگر ویژگی مربوط به غیر انسان باشد، فقط استعاره نوع ۲ ایجاد شده است.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که «هر تشخیصی»، استعاره مکنیه هست ولی برعکس آن صادق نیست.

توجه: ۱- دانستن نام انواع استعاره (مصرّحه/ مکنیه) برای رشته‌های غیر علوم انسانی و معارف ضروری نیست.

۲- استعاره مکنیه‌ای که به صورت «مضاف و مضاف‌الیه» به کار رود، اضافه استعاری گفته می‌شود.

راه تشخیص اضافه استعاری از تشبیهی:

بیشتر مواقع، تشبیه و یا استعاره به صورت یک ترکیب اضافی (مضاف و مضاف‌الیه) ظاهر می‌شود.

دانش‌آموزان عزیز، گاهی در تشخیص نوع آن (اضافه استعاری یا اضافه تشبیهی) دچار مشکل می‌شوند و به دنبال یک راه حل ساده می‌گردند؛ در چنین مواقعی باید دقت کرد که اگر کلمه اول (واژه مضاف)، نام اندام یا یک جزء یا ویژگی از کل ساختمان موجود دیگری بود که به مضاف‌الیه نسبت داده شده بود، نوع ترکیب، اضافه استعاری (= استعاره) است ولی اگر کلمه اول، خود، کل بود و نتوان آن را زیرمجموعه چیز دیگری قرارداد نوع ترکیب، اضافه تشبیهی (= تشبیه) است.

مثال: «دست خیال» اضافه استعاری است زیرا می‌توان گفت «دست»، جزیی از اجزای انسان است ولی «پرنده خیال» اضافه تشبیهی است. زیرا پرنده، خود، کل و یک مجموعه کاملی است که نمی‌توان آن را جزیی از ساختمان موجود دیگری دانست. برای مسلط شدن بر موضوع، ترکیب‌های زیر را با هم مقایسه کنید و به اضافه تشبیهی یا استعاری بودن آن پی ببرید.

«عنان دل» و «مرغ دل»	«آتش خشم» و «حملة خشم»	«دست اجل» و «صبح اجل»
«طبل عشق» و «آواز عشق»	«سقف شب» و «قالی شب»	«مرغ عقل» و «چشم عقل»

نمونه‌های استعاره و تشخیص:

توضیحات	بیت
سد روان: استعاره از رود سند	از این سد روان، در دیده شاه ز هر موجی هزاران نیش می‌رفت
تیغ بارد: استعاره نوع ۲	فرض است فرمان بردن از حکم جلودار گر تیغ بارد، گو ببارد، نیست دشوار
دریای خون: استعاره از میدان جنگ	در آن دریای خون در دشت تاریک به دنبال سر چنگیز می‌گشت
خار و خار: استعاره از سختی‌ها	وقت است تا برگ سفر بر باره بندیم دل بر عبور از سد خار و خاره بندیم
رقصیدن اخترها: تشخیص	میان موج می‌رقصید در آب به رقص مرگ، اخترهای انبوه
چهره داشتن روز: تشخیص	نهان می‌گشت روی روشن روز به زیر دامن شب در سیاهی
در گمراهی ماندن عقل: تشخیص	خرد را گر نبخشد روشنایی بماند تا ابد در تیره‌رایی

۳- مجاز:

اگر با توجه به قرینه‌ها و نشانه‌های موجود در کلام، مشاهده شود که کلمه‌ای در معنی حقیقی به کار نرفته است و علت این امر، چیزی غیر از «شبهات» باشد، اصطلاحاً آن را «مجاز» می‌گویند.

قرینه (نشانه): عبارت است از کلمه‌ها و عبارت‌هایی که در کلام می‌آید و نشان می‌دهد واژه‌ای در معنی حقیقی خود به کار نرفته است. در شکل‌گیری آرایه «مجاز» میان معنای حقیقی کلمه و معنای مجازی آن رابطه و پیوندی می‌توان یافت.

رایج‌ترین پیوندها و رابطه‌ها عبارتند از:

- ۱- جزیی و کلی: یعنی یکی، جزیی از دیگری و زیر مجموعه او قرار می‌گیرد.
مثال: به یاد لب شیرین، بیت می‌گفت «بیت» مجاز از شعر زیرا: بیت جزیی از شعر است.
- ۲- ابزاری: یکی حکم ابزار برای دیگری دارد.
مثال: تو مرد زبان نیستی. «زبان» مجاز از سخن زیرا: زبان ابزار سخن گفتن است.
- ۳- سببی: یکی سبب ایجاد دیگری است.
مثال: نفسم اثر نمی‌کند. «نفس» مجاز از سخن زیرا: نفس سبب سخن گفتن است.
- ۴- جایگاهی: جایگاه و محل یکی در دیگری باشد (نسبت به هم حالت زیرمجموعه داشته باشند).
مثال: ایران در بازی‌های آسیایی شرکت می‌کند. ایران مجاز از تیم ورزشی ایران چون ایران جایگاه تیم ورزشی است.

فرق مجاز و استعاره:

«استعاره نوع ۱» نیز نوعی «مجاز» است با این تفاوت که در استعاره نوع ۱ (مصرّحه)، رابطه «شبهات» باعث می‌شود که کلمه در معنی اصلی خود به کار نرود اما در «مجاز»، واژه‌ای به دلایلی غیر از شبهات، جایگزین واژه‌ای دیگر می‌شود. دانش‌آموزان تجربی و ریاضی نیازی به یادگیری پیوندها و رابطه‌های مجاز ندارند.

نمونه‌های مجاز:

بیت	واژه مجاز
در آن باران تیر و برق پولاد	پولاد ← شمشیر
بلند آن سر، که او خواهد بلندش	سر/دل ← وجود
بخور تا توانی به بازوی خویش	بازو ← قدرت
دمار از جان این غولان کشم سخت	شمشیر ← قدرت
به پاس هر وجب خاکی از این ملک	سرها ← انسان‌ها
از آن پس، چنین گفت با موبدان	موبدان ← دانایان

توضیحات تکمیلی برخی نکات زبانی کارگاه‌های متن پژوهی فارسی (۲)

درس یکم

شیوه‌های دریافت معانی واژه‌ها

الف) قرار گرفتن واژه در جمله: معانی برخی واژه‌ها تنها در جمله یا زنجیره سخن قابل درک است.

* ماه، تابناک بود

* ماه، طولانی بود

* چو چنگش رگ و استخوان ماند و پوست (نوعی ساز) * این زمانم گوش بر چنگ است و دل در چنگ نیست (دست)

* سراندر کشید و همی رفت راست (مستقیم) (درس ۱۲) * گفت خداوند این، سخت نیکو کرد. (بسیار) (درس ۲)

* بلند آن سر، که او خواهد بلندش (ارجمند)

ب) رابطه‌های معنایی: روابط واژگانی عبارتند از: ترادف، تضاد، تضمین، تناسب

الف) ترادف: هرگاه دو یا چند واژه، هم معنا و مترادف باشند، رابطه بین آنها ترادف است؛ مانند «سیر و بیزار»، «دغل و حيله‌گر»

ب) تضاد: هرگاه معنای دو واژه، دقیقاً عکس یکدیگر باشند، رابطه بین آنها تضاد است؛ مانند «سیر و گرسنه»، «روشن و خاموش»

ج) تناسب (مراعات نظیر): به رابطه‌ای گفته می‌شود که دو یا چند واژه از نظر جنس، نوع، مکان، زمان، همراهی و ... با هم تناسب داشته باشند. مانند «سیر و پیاز»، «روبا و شغال»

د) تضمین: هرگاه معنای یک واژه، معنای واژه دیگری را نیز شامل شود، رابطه بین آنها «تضمین» است؛ مثلاً، «سیر» نوعی «گیاه» است پس میان «سیر» و «گیاه» رابطه تضمین وجود دارد. یا نرگس و گل / اسب و حیوان

توجه: در تضمین یک واژه از لحاظ بار معنایی در زیر مجموعه واژه دیگری قرار می‌گیرد مثل «مورچه و حشره» که «مورچه» نوعی از انواع «حشره» قلمداد می‌شود و یا «کتاب و مدرسه» که کتاب از لوازم مدرسه است.

دریافت معانی واژه «سیر» با توجه به روابط واژگانی

ردیف	جمله	نوع رابطه	واژه‌های هم رابطه
۱	سیر را هنگام پاییز می‌کارند.	تناسب	سیر، می‌کارند.
۲	سیر را غم گرسنه نیست، هم‌چنان که سوار را غم پیاده.	تضاد	سیر و گرسنه
۳	سیر را مساوی ۷۵ گرم می‌دانند.	ترادف	سیر و ۷۵ گرم
۴	سبز سیر، رنگ زیبایی است.	تضمین	سیر و رنگ

دیگر نمونه‌ها:

تضاد ← نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست (درس ۱)

دربار یزم و دربار رزم (درس ۵)

تضمین ← علت و تب تمامی زایل شد. (درس ۲)

میان موج می‌رقصید در آب (درس ۳)

ترادف ← من طاقت قُرب ندارم و تاب آن نیارم. (درس ۷)

خاک در کمال مدلت و خواری چندین ناز می‌کند. (درس ۷)

تناسب ← بانگ و هَ‌زاهز و غریو خاست (درس ۲)

سوری و شادی‌ای به آن بسیاری، تیره شد. (درس ۲)

* انواع جمله:

الف) جمله ساده: جمله‌ای که یک فعل دارد: در نایسته احسان گشاده است

ب) جمله مرکب: جمله‌ای که بیش از یک فعل دارد: بخور تا توانی به بازوی خویش

اجزای جمله مرکب:

هر جمله مرکب معمولاً از یک جمله پایه (هسته) و یک یا چند جمله پیرو (وابسته) تشکیل می‌شود.

جمله پایه (هسته): بخشی از جمله مرکب است که پیوند وابسته‌ساز ندارد.

جمله پیرو (وابسته): بخشی از جمله مرکب است که پیوند وابسته‌ساز دارد.

□ دگر روز باز اتفاق افتاد که روزی رسان قوت روزش بداد (درس ۱)

جمله پایه پیوند وابسته‌ساز جمله پیرو

□ کرم ورزد آن سر که مغزی در اوست که دون همتانند بی مغز و پوست (درس ۱)

جمله پایه پیوند وابسته‌ساز جمله پیرو پیوند وابسته‌ساز جمله پیرو

معیار تشخیص پایه از پیرو: «جمله پیرو با پیوند وابسته‌ساز» می‌آید و همیشه بعد از پیوند وابسته‌ساز قرار می‌گیرد.

پیوندهای وابسته‌ساز: حروف ربطی هستند که جمله یا جمله‌های پیرو را به جمله پایه مرتبط می‌کنند.

این پیوندهای وابسته‌ساز عبارتند از: که، تا، چون، اگر، زیرا، زیرا که، برای اینکه، وقتی که، هنگامی که و ...

۱- اگر من نظری به سنگ بر، بگمارم از سنگ دلی سوخته بیرون آرم (درس ۷)

پیوند وابسته‌ساز جمله پیرو جمله پایه

۲- من نهایت بعد اختیار کردم که قربت را خطر بسیار است. (درس ۷)

جمله پایه پیوند وابسته‌ساز جمله پیرو

۳- روزکی چند صبر کنید تا من بر این یک مشت خاک دست‌کاری قدرت بنمایم. (درس ۷)

جمله پایه پیوند وابسته‌ساز جمله پیرو

نکته: گاهی «که» در ساختمان جمله‌های مرکب، محذوف است.

گویند ز عشق کن جدایی = گویند [که] ز عشق کن جدایی (درس ۶)

جمله پایه پیوند وابسته‌ساز جمله پیرو

جمله‌های هم‌پایه: جمله‌هایی هستند که با پیوندهای هم‌پایه‌ساز به هم مربوط می‌شوند و هیچ‌یک، جزیی از جمله دیگر نیست.

پیوندهای هم‌پایه‌ساز عبارتند از: «و»، «یا»، «لیکن»، «لیک»، «ولیکن»

تذکر: پیوندهای هم‌پایه‌ساز، بین دو جمله مستقل ساده می‌آید و گاهی میان دو جمله پایه و یا دو جمله پیرو قرار می‌گیرد

و آن دو را هم‌پایه یکدیگر می‌سازد. مانند:

۱- از ابر کرم، باران محبت بر خاک آدم بارید و خاک را گل کرد (درس ۷)

جمله ساده پیوند هم‌پایه‌ساز جمله ساده

۲- خاک، سوگند برداد که من طاقت قرب ندارم و تاب آن نیارم (درس ۷)

جمله پایه پیوند وابسته‌ساز جمله پیرو پیوند هم‌پایه‌ساز جمله پیرو

۲- یک کیسه به پدر باید داد و یک کیسه به پسر [باید داد] تا خویشتن را ضیعتکی حلال خرنند
 جمله پایه پیوند وابسته ساز جمله پایه پیوند وابسته ساز

* **مصدر شدن:** این فعل در گذشته به معنای «رفتن» کاربرد فراوانی داشته است.

- (۱) دل بر دلدار رفت. جان بر جانانه شد
 (۲) یقین، مرد را دیده بیننده کرد شد و تکیه بر آفریننده کرد (درس ۱۲)
 (۳) سوی لشکر آفریدون شدند ز نیرنگ ضحاک بیرون شدند

* **دیگر (در):** این واژه که امروزه غالباً به عنوان «صفت مبهم» در جایگاه «وابسته پسین» به کار می‌رود، در گذشته گاهی در جایگاه «وابسته پیشین» نیز قرار می‌گرفته است.

- (۱) دگر روز باز اتفاق افتاد که روزی‌رسان قوت روزش بداد (درس ۱)
 (۲) دیگر روز، امیر نامه‌ها فرمود به غزنین و جمله مملکت. (درس ۲)

* **چند:** این واژه که امروزه وابسته پیشین (صفت مبهم) به کار می‌رود، در گذشته به صورت وابسته پسین (صفت مبهم) نیز بوده.

- (۱) امیر محبوب گشت از مردمان مگر از اطبا و تنی چند از خدمتکاران. (درس ۱)
 (۲) گفتم: درویشی حکایتی چند خواست. (درس ۸، گنج حکمت) (۳) روزکی چند صبر کنید. (درس ۷)

* صفتهای شمارشی اصلی:

این صفتهای قبل از موصوف می‌آیند. مانند:

- * مثال داد تا هزار هزار درم به غزنین و دو هزار هزار درم به دیگر ممالک، به مستحقان و درویشان دهند. (درس ۲)
 * در قدیم گاهی پس از موصوف نیز آمده‌اند. در این موارد، غالباً موصوف با «ی» نکره آمده است.
 (۱) امیر کشتی‌ها بخواست و ناوی ده بیاوردند. (درس ۲) (۲) از لشکر ما مردی پنج گرفتار آمدند.

* انواع حرف «را»: در متون گذشته حرف «را» کاربرد گوناگونی داشته است از آن جمله:

- (۱) نشانه مفعول: ✓ مینداز خود را چو روباه شل. (درس ۱) ✓ ایشان درجستند و امیر را بگرفتند. (درس ۲)
 (۲) حرف اضافه: گاهی در متون گذشته، حرف «را» به معنای «به، از، برای، بر، در، ...» می‌آمده و کلمه همراه آن، متمم است.
 ✓ «به»: بونصر را بگوی. ← به بونصر بگوی. (درس ۲)
 اگر ما را آفتی رسد از این شخص ← اگر به ما آفتی از این شخص رسد (درس ۷)
 خرد را گر نبخشد روشنایی ← اگر به خرد روشنایی نبخشد (ستایش)
 ✓ «از»: حکیمی را پرسیدند. ← از حکیمی پرسیدند. (درس ۳، گنج حکمت)
 ✓ «برای»: در هر سفری ما را از این بیارند. ← در هر سفری برای ما از این بیارند. (درس ۲)

توجه: چون در تهیه مطالب این کتاب وقت و هزینه زیادی صرف شده است، بنابراین هرگونه کپی و اسکن از تمام یا بخشی از صفحات کتاب و نشر آن در فضای مجازی یا حقیقی یک نوع «جرم و سرقت» محسوب شده و حرام و خلاف اخلاق است.

آزمون شماره ۱	سؤالات نوبت دوم	هماهنگ کشوری - خرداد ۱۴۰۳
الف) قلمرو زبانی (۷ نمره) معنی واژه، املا و دستور		
۱	در عبارت‌های زیر، کدام واژه‌ها با هم مترادف معنایی دارند؟ الف) خاله‌ام با همه تمکّنی که داشت، به زندگی درویشانه‌ای قناعت کرده بود. ب) با این همه، حضرت غنا، دیگری را به جای او نخواست.	(۲۵/۰ نمره)
۲	معنی واژه مشخص شده را بنویسید. «زاغی در حوالی آن، بر درختی بزرگ گشن خانه داشت.»	(۲۵/۰ نمره)
۳	از بین گروه واژه‌های زیر، معنای دو واژه نادرست است؛ درست آن‌ها را بنویسید. «پایمردی: شفاعت - چنبر: کمند - هژبر: خشمگین - زَنخْدان: چانه - خَنیده: نامدار - مِخْنَه: گردن»	(۵/۰ نمره)
۴	نوشتار کدام واژه داخل کمانک، کامل کننده مفهوم عبارت است؟ الف) عزیزترین رفقای من حسن سیرت را با (سَباحت - صَباحت) توأم داشت. ب) بزن زخم، این، (مرهم/ مرحم) عاشق است که بی‌زخم مردن، غم عاشق است	(۵/۰ نمره)
۵	در هر عبارت، املاي یک واژه نادرست است؛ شکل درست آن‌ها را بنویسید.. الف) چون موسم حج رسید، برخاست اَشتر طلبید و مهمل آراسست ب) ایشان حقوق مرا به طاعت و مناصحت بگذارند و به معونت و مظاهرت ایشان از دست صیاد بجستم. ج) سپیده فردای گنجه با نحیب و صغیر گلوله‌های توپ روس، باز شد. د) دلم را بده عظم بر بندگی نه چون بی‌غمانم هوسناک کن	(۱ نمره)
۶	از میان گروه‌های زیر، املاي دو واژه درست نیست؛ شکل درست آن‌ها را بنویسید. «الحاح و اسرار - رَشحه و قطره - زهاب دیدگان - یغور و درشت - خوان و طَبَق - رغبت و خاست»	(۵/۰ نمره)
۷	وضعیت کدام واژه مشخص شده، در گذر زمان همانند واژه «محضر»، در مصراع «بدرید و بسپرد محضر به پای» است؟ الف) پای راست افکار شد ب) اختلاف صیادان آنجا متواتر ج) پا در رکاب راهوار خویش دارند	(۲۵/۰ نمره)
۸	با توجه به انواع صفت بیانی و طرز ساخت آنها، کدام واژه در هر گروه با بقیه متفاوت است؟ (۵/۰ نمره) الف) ۱- سحرزاد ۲- زخم‌دار ۳- جهان‌آفرین ۴- نیلی‌پوش ب) ۱- ایرانی ۲- کبریایی ۳- نورانی ۴- شکاری	(۵/۰ نمره)
۹	به سؤالات پاسخ دهید. الف) در مصراع «بگذار بر پشت زین خود معتبر بمانم»، زمان فعل مشخص شده را بنویسید. ب) در کدام یک از ابیات زیر، جمله مرکب دیده می‌شود؟ ۱- فرزند عزیز را به صد جهد بنشانند چو ماه در یکی مه‌د ۲- مجنون چو حدیث عشق بشنید اول بگریست، پس بخندید	(۵/۰ نمره)
۱۰	اجزای جمله دوم بیت زیر را مطابق زبان معیار، مرتب کنید. «خروشید و زد دست بر سر ز شاه که شاهان منم کاوه دادخواه!»	
۱۱	تفاوت نقش دستوری واژه «شاه» را در عبارت‌های زیر، بنویسید. الف) سران کشور و در رأسش فتحعلی شاه، در فکر تدارک سپاه برای مقابله با دستاندازی‌های روس‌ها بودند. ب) عباس میرزا خود را برای شرکت در مراسم سلام نوروزی شاه به تهران رسانده بود.	(۵/۰ نمره)

- ۲۷- الف) رفت بر این قاعده روزی سه چار
ب) گزینه «۲»
ج) ۱- رَوَد ذره‌ای گر ز خاکت به باد /
به خون من آن ذره آغشته باد
۲- دی شیخ با چراغ گشت همی گرد شهر /
کز دیو و دد، ملولم و انسانم آرزوست
- ۲۸- الف) قانع بودن ب) مسئولیت‌پذیر ج) وفادار
۲۹- میدان جنگ
۳۰- با اشتیاق به استقبال شهادت رفتن
۳۱- دل / قلب
۳۲- از بین رفتن ارزش‌ها (رواج ناهنجاری‌ها در جامعه / بی‌ارزش شدن فضایل اخلاقی)
۳۳- الف) سخت بودن تغییر عادت‌ها
ب) بازگشت همه به عالم بالاست.
ج) تأکید بر شکرگزاری در هر شرایطی
۳۴- شیر اله: حضرت علی (ع) اژدها: عمرو
- ۳۵- وجود مشکلات و موانع
۳۶- درازی قد
۳۷- الف) اعتقاد به مشیت الهی
ب) فروتنی، شرط رسیدن به کمال و بزرگی است.
۳۸- الف) با شادی، شروع به نوشتن کرد.
ب) عشق با شتاب می‌آمد.
ج) آن یکی یاری‌کننده زندگی است.
د) من کمین کردم (در پی فرصت بودم).
هـ) نمی‌دانست در کجا ساکن شود (اقامت کند).
و) ای جوان به انسان ضعیف و ناتوان، کمک کن.
ز) از آن‌ها که به شهادت رسیدند و خطر را پذیرفتند.
ح) خرامان شروع به دویدن کرد.
ط) وقتی که لشکر، او را محاصره کرد؛ اسب را مانند کشتی در رود انداخت.
ی) یعنی امام خمینی، مانند حضرت موسی قصد نابودی دشمن (اسرائیلی‌ها) را کرد.

آزمون شماره ۲		سؤالات نوبت دوم - خرداد ۱۴۰۴
	الف) قلمرو زبانی (۷ نمره) معنی واژه، املا و دستور	
۱	معنی واژه مشخص شده را بنویسید. «به رود سند می‌غلطید بر هم ز امواج گران، کوه از پی کوه»	(۲۵/۰ نمره)
۲	با توجه به بیت «زاغی از آنجا که فراغی گزید رخت خود از باغ به راغی کشید»، کدام واژه در عبارت زیر، معادل معنایی واژه مشخص شده است؟ «شب پیشین برای شست و شوی صحرا و بوستان چابک‌دستی کرده، راه باغ را رفته و گونه گل‌های بنفشه را دُرافشان ساخته بود.»	(۲۵/۰ نمره)
۳	در ابیات زیر، دو واژه بیابید که معنای مشترک دارند. «دریادلان راه سفر در پیش دارند وقت است تا برگ سفر بر باره بندیم» پا در رکاب راهوار خویش دارند دل بر عبور از سدّ خار و خاره بندیم	(۲۵/۰ نمره)
۴	کدام گزینه، معادل معنایی واژه مشخص شده نیست؟ «جمله به طریق تعاون قوتی کنید تا دام از جای بگیریم.» الف) مظاهر (ب) التفات (ج) معونت (د) پشتیبانی	(۲۵/۰ نمره)
۵	در عبارت زیر، کدام کلمه ارزش املائی بیشتری دارد؟ «شما چه دانید که ما را با این مشتی خاک، چه کارها از ازل تا ابد در پیش است؟»	(۲۵/۰ نمره)

نمایندگان فروش کتاب‌های فارسی نگاه نو

الف) شیراز

۱	بانک کتاب معالی آباد	جنب پل معالی آباد، ابتدای ۱۴ متری دینکان	۷- ۳۶۳۶۱۱۰۵
۲	بانک کتاب صادق	چهارراه خلدبرین به سمت ملاصدرا، نبش کوچه ۳	۳۲۳۵۶۵۷۰
۳	بانک کتاب (عمده‌فروشی)	خیابان قصردشت، روبه‌روی انتقال خون، جنب کوچه ۵۹	۳۶۲۹۳۱۲۱
۴	بخش کتاب	بولوار بعثت، نرسیده به فلکه سنگی	۳۶۴۸۰۶۰۹
۵	بخش گلستانه (عمده‌فروشی)	خیابان تختی، کوچه جاوید	۳۲۲۳۲۲۱۰
۶	خوارزمی	خیابان ملاصدرا، ابتدای خیابان معدل، طبقه زیرین	۳۲۳۱۸۰۴۹
۷	دنیای کتاب (عمده و خرده)	خیابان مشیرفاطمی، ابتدای معدل، طبقه زیرین	۳۲۳۳۵۱۶۹
۸	کتاب‌فروشی شیراز	خیابان قصردشت، روبه‌روی انتقال خون، جنب کوچه ۵۹	۳۶۲۶۴۲۰۰
۹	کتاب‌فروشی مرکزی	چهارراه ملاصدرا، ابتدای رحمت آباد	۳۶۲۶۹۸۲۶
۱۰	کتاب‌فروشی هیربُذ	خیابان معالی آباد، جنب کوچه ۱۵، پایین پاساژ نغمه	۳۶۲۴۹۷۸۳
۱۱	کتاب‌فروشی مصیر	شهرک گلستان، بلوار علّامه امینی، روبه‌روی درمانگاه	۰۹۱۶۴۴۷۲۳۱۳
۱۲	کتاب‌فروشی فرهنگ	خیابان مشیرفاطمی، ابتدای معدل، طبقه زیرین	۳۲۳۳۵۲۹۶
۱۳	مرکز کتاب زرهی	بلوار زرهی. بین کوچه ۶۲ و ۶۴، روبه‌روی خیابان فلّاحی	۲۸۲۲ ۲۱۱۲

ب) شهرستان‌های فارس و استان بوشهر

آبادیه	کتاب‌فروشی خورشید شب	میدان شهید منتظری	۴۴۳۴۷۳۲۷
جهرم	کلبه کتاب	خیابان جمهوری، راسته طلافروشان	۵۴۲۲۶۶۴۹
داراب	کتاب‌فروشی آوای دانش	خیابان بهار، کتاب‌فروشی آوای دانش	۰۹۱۷۱۳۲۰۵۸۹
سپیدان	کتاب‌فروشی صفا	خیابان شهید غضنفری	۰۹۱۷۴۵۰۴۷۶۸
فسا	کتاب‌فروشی ایران باستان	خیابان امام خمینی، سه راه دریمی	۵۳۳۱۵۲۴۲
فسا	خانه کتاب ارشادی	خیابان روزبهان	۵۳۳۵۲۲۸۵
قیر	کتاب‌فروشی اکبری	بولوار امام، جنب صندوق حمیدیه	۰۹۱۷۳۹۲۰۰۳۹
مرودشت	کتاب‌فروشی نگار	میدان شهرداری، خیابان ۷ تیر	۴۳۲۲۱۴۷۰
مرودشت	کتاب‌فروشی عزیزی	میدان شهرداری، خیابان ۷ تیر	۴۳۲۲۲۲۱۸
ممسنی	مرکز نشر دانشگاهی	خیابان شهید مدنی، نبش کوچه ۵	۰۹۱۷۳۲۲۲۱۳۳
نیریز	کتاب‌فروشی کالج	خیابان قدس، پاساژ زحلی طبقه دوم	۵۳۸۲۱۶۳۳
نیریز	کتاب‌فروشی صادق یار	روبه‌روی مدرسه شاهد	۵۳۸۲۶۸۷۸
بوشهر	کتاب‌فروشی پاپیروس	خیابان امام خمینی، جنب سینما بهمن	۰۹۳۰۶۰۳۳۷۹۷
برازجان	کتاب‌فروشی پاریسان	چهارراه بیمارستان، روبه‌روی سه راه شهرک	۰۹۱۷۳۷۳۲۴۴۲

برای خرید این کتاب، با شماره «۰۹۹ ۲۵ ۶۰ ۴۵ ۴۹»، هماهنگی نمایید و یا بهای آن را به شماره کارت زیر واریز نمایید و نشانی کامل پستی خود را از طریق پیامک، واتساپ، ایتا به شماره مذکور اعلام کنید تا با پست پیشتاز، ارسال شود.

بانک ملی: شماره کارت: ۹۱۴۸، ۵۴۵۸، ۹۹۱۴، ۶۰۳۷ به نام جواد امیرسالاری

سامانه فروش اینترنتی: www.negahenow.com